

"بسمه تعالی"

مقاله:

شرایط حضور زنان در مسجد

مقدمه

بنا بر معیارهای ارزشی بشری، بین زن و مرد فرقی وجود ندارد. در آیات و روایات نیز سخن از برابری حقوق زن و مرد به میان آمده است. در مقامات معنوی نیز تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد؛ لذا زنان می‌توانند مانند مردان به مقامات عالی انسانی دست یابند. تقوا امری اکتسابی است و جنسیت در آن دخیل نیست و از نگاه قرآن فقط تقوا ملاک برتری انسان‌ها بر یکدیگر است. همان‌گونه که مدارج تقوا به نژاد، قوم و سرزمین جغرافیایی ربطی ندارد، به سن، ثروت و زیبایی نیز ربط ندارد.

اسماء بنت عمیس، از نخستین زنان مهاجر در اسلام، وقتی از حبشه بازگشت، به دیدار همسران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمد. نخستین پرسش او این بود: «آیا آیه‌ای درباره‌ی زنان نازل شده است؟» و آنان پاسخ دادند: «خیر». اسماء خدمت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) رسید و عرض کرد: «ای رسول خدا! جنس زن گرفتار خسران و زیان است؟»، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «چرا؟»، گفت: «چون در قرآن فضیلتی همانند مردان برای زنان نیامده است». در این هنگام، آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی احزاب نازل شد و برخی ارزش‌های معنوی زن و مرد را بیان کرد که در یک ردیف قرار دارند. در سوره‌های دیگر قرآن نیز از برابری بین زن و مرد در ارزش و کمالات انسانی سخن به میان آمده است.^۱

بنابراین، زن در کمالات و درک مدارک عالی اخلاقی هیچ تفاوتی با مرد ندارد؛ بلکه اسلام به زن، مانند مرد، روح کامل انسانی و اراده و اختیار داده است. لذا، هر دو را در یک صف واحد قرار داده است و در یک مسیر هدایت کرده است. قرآن کریم گاه با خطاب‌های «یاایهاالناس» و «یاایها الذین امنوا» (بدون در نظر داشتن جنسیت) هر دو را مخاطب قرار داده است و برنامه‌های تربیتی اجتماعی را برای هر دو لازم دانسته است و گاه او را به صراحت در کنار مردان قرار داده است: «وَ مَنْ

^۱ - تفسیر نمونه ج ۱۷، ص ۳۰۸.

عَمَلٍ صَالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأَوْلِيكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ». هرکس ایمان داشته باشد و عمل صالحی انجام دهد، مرد باشد یا زن، داخل بهشت می‌شود.^۱

چنانچه صادق آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ»^۲، بیشترین خیر و خوبی در وجود بانوان است. تردیدی نیست که سعادت و شقاوت جامعه‌ی بشری بسته به وجود زن است؛ زیرا عالی‌ترین وظیفه‌ی انسانی، که تربیت نسل آینده‌ی بشر است، نخست به دوش زن گذاشته شده است. از این رو، زن می‌تواند مبدأ سعادت و شقاوت باشد. همان‌طور که امام راحل (رحمة‌الله‌علیه) زن را مربی جامعه معرفی کرده‌اند. حال، با توجه به اینکه نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند، این سؤال مطرح می‌شود که آیا از نظر اسلام فضایل و آثاری که برای رفت‌وآمد به مسجد و حضور در آن ذکر شده است فقط به مردان اختصاص دارد یا زنان نیز می‌توانند از آثار و برکات خانه‌ی خداوند بهره‌مند شوند؟ به‌دیگر سخن، آیا در زمان پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و صدر اسلام زنان در مساجد حضور می‌یافتند یا نه؟ اگر در مسجد حضور داشته‌اند، شیوه‌ی رفتار پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با این حرکت اجتماعی زنان چگونه بوده است؟

در پاسخ اجمالی به این سؤال باید گفت: اسلام زنان را از شرکت در اجتماع نهی نمی‌کند؛ بلکه در بعضی موارد شرکت آنان را واجب می‌داند، مانند شرکت در مراسم حج واجب که برای آن زن و مرد هر دو مورد خطاب خداوندند و هیچ تفاوتی میانشان نیست. در این راستا، حتی این سفر معنوی به اجازة‌ی شوهر هم منوط نیست. از دیگر مواردی که اسلام بر هر مسلمانی واجب دانسته است و تفاوتی قائل نشده است، تحصیل است. بنابراین، می‌توان استفاده کرد به تحصیل زنان به همان اندازه‌ی مردان تأکید شده است. پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در روایتی فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»^۳، طلب علم بر هر مسلمانی، اعم از زن و مرد، واجب است. از دیگر مواردی که اسلام بر هر مسلمانی واجب دانسته است جهاد دفاعی است. اگر افراد به قدر کفایت به جبهه نروند، دفاع از هیچ‌کس ساقط نمی‌شود و بر زنان، پیرمردان، بیماران و خردسالان نیز واجب می‌شود. همچنین، رسول

^۱ - سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۴۰

^۲ - وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۴.

^۳ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۲.

گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) با قید قرعه زنانشان را با خود به سفرهای جهادی می بردند. بعضی از اصحاب نیز چنین می کردند.^۱ همچنین، زنان از تشییع جنازه منع نشده اند. در اخبار آمده است وقتی زینب، دختر بزرگ رسول اکرم (صلی الله علیه وآله)، وفات کرد خواهرشان، زهرا (سلام الله علیها) و زنان مسلمان آمدند و بر وی نماز خواندند.^۲ در کتاب وسائل الشیعه روایات گوناگونی در این زمینه آمده است که شرایط و چگونگی شرکت زنان را در مسائل اجتماعی بیان می کند. از مجموع روایات به این نتیجه می رسیم: زنان اجازه دارند در مجالس عزا، ادای حقوق مردم یا تشییع جنازه شرکت کنند؛ همچنان که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و زنان ائمه اطهار (علیهم السلام) در آنها شرکت می کردند.^۳

بنابراین، با توجه به کارکردهای مسجد و نقش آن در امور مردمی، حضور زن در مسجد علاوه بر اینکه حضور در مراسمی عبادی و معنوی و بهره مند شدن از برکات و فضایل عبادت دسته جمعی است، حضور در فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تربیتی نیز است. اسلام برای حفظ کرامت و شخصیت زن و مصون ماندن وی از آلوده شدن به گناه شرایطی برای این حضور در نظر گرفته است و زنان را به رعایت کردن آن سفارش کرده است. مقاله ای حاضر این شرایط را بیان می کند و از آثار و برکات این حضور تا حد امکان سخن می گوید.

فصل اول

شرایط حضور زنان در مسجد

۱- رعایت حجاب یا پوشش اسلامی

از دیدگاه اسلام، یکی از شرایطی که زنان موظف اند هنگام حضور در مسجد رعایت کنند حجاب یا پوشش اسلامی است. بر اساس ادله کلی، حجاب در بیرون از منزل، هنگامی که بانوان در مجالس عمومی حضور پیدا می کنند و در معرض دید نامحرم قرار می گیرند، اثبات پذیر است. علاوه بر آن، در روایات اسلامی به مسئله ی پوشش اسلامی زنان در مسجد و مسیر آن نیز اشاره شده است که خود

^۱ - صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۶۵ و ۱۶۲.

^۲ - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۳۷.

^۳ - همان، ج ۱، ص ۳۷۶.

تأکیدی است بر مسئله‌ی حجاب برای خانم‌های نمازگزاری که در مسجد حضور پیدا می‌کنند. برای روشن‌شدن ارزش و اهمیت موضوع حجاب در آیات و روایات و رعایت آن هنگام حضور در مسجد، تا حد ممکن در این تحقیق این موضوع را تشریح می‌کنیم. از این رو، بعد از روشن‌شدن معنا و مفهوم آن، از نظر لغتی و اصطلاحی، به ادله‌ی عقلی و نقلی حجاب و سپس به فلسفه‌ی حجاب و پیامدهای بی‌حجابی و بدحجابی و مسائل مربوط به این موضوع می‌پردازیم.

معنا و مفهوم حجاب

واژه‌ی «حجاب» در لغت به معنای پرده و حایل است. در کتب لغت آمده است: حجاب چیزی است که حایل می‌شود بین دو چیز و جمع آن «حجب» است.^۱ معنای لغوی حجاب پوشش نیست. اینکه به معنای پوشش استعمال شده است شاید از این جهت باشد که پرده وسیله‌ی پوشش است؛ چون قرارگرفتن در پشت پرده مانع از دیدن چیزی می‌شود؛ همان‌گونه که حجاب مصطلح مانع از دیدن مواضعی از بدن خانم‌ها می‌شود.

در قرآن کریم حدوداً هفت بار کلمه‌ی حجاب در معنای لغوی خود تکرار شده است که به معنای پرده و حایل است؛ از جمله در این آیات:

۱- «فَسَلُّوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ»^۲، از آن‌ها (زنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)) وقتی چیزی مطالبه کردید، از پشت پرده بخواهید؛

۲- «وَوَيَّئَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ»^۳، و میان آن دو [گروه] حایلی است و بر اعراف مردانی

هستند؛

۳- «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ»^۴، آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد.

در سوره‌های اعراف آیه‌ی ۴۶، احزاب آیه‌ی ۵۳، فصلت آیه‌ی ۵ و اسراء آیه‌ی ۴۵ نیز معنای لغوی کلمه‌ی پرده استعمال شده است. در دستوری که امیرالمؤمنان (علیه‌السلام) به مالک اشتر نوشته است

^۱ - مجمع البحرین، لسان العرب، کتاب العین.

^۲ - سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۵۳

^۳ - سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۴۶

^۴ - سوره‌ی ص، آیه‌ی ۳۲

می‌فرمایند: «فَلَا تُطَوَّنَ أَحْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ...»^۱، در میان مردم باش، کمتر خود را در اندرون خانه از مردم پنهان کن، حاجب و دربان تو را از مردم جدا نکند؛ بلکه خودت را در معرض ملاقات مردم قرار ده، حائیلی بین تو و مردم نباید وجود داشته باشد.

استفاده از کلمه‌ی حجاب در مورد پوشش زن نسبتاً اصطلاحی جدید است و در عصر کنونی در مورد پوشش خانم‌ها به‌کار می‌رود. در سخنان فقها، به‌ویژه فقهای قدیم، برای پوشش زن از کلمه‌ی «ستر» استفاده می‌شده است. به‌رحال، واژه‌ی حجاب امروزه به‌معنای پوشش زن است.

عفت

یکی از واژه‌هایی که با مسئله‌ی حجاب مرتبط است کلمه‌ی عفت است. عقیقه‌بودن زن از صفات زنان مؤمن است. معنای لغوی این کلمه حفظ‌کردن و دورداشتن خود از محرّمات و گناه است.^۲ در قرآن کریم نیز این کلمه به همین معنای لغوی استعمال شده است: «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ»^۳، زنان سالخورده اگر خودشان را بیوشانند و از دید نامحرم حفظ کنند برایشان بهتر است. زیرا از نظر اسلام هر قدر زن جانب عفاف و حجاب را رعایت کند، پسندیده‌تر و به تقوی و پاکی نزدیک‌تر است.

ادله‌ی وجوب حجاب

الف: حجاب در آیات

در آیاتی که از آن‌ها وجوب حجاب و پوشش اسلامی استفاده می‌شود، کلمه‌ی «حجاب» به‌کار نرفته است. آیات فقط حدود حجاب و پوشش خانم‌ها را بیان کرده‌اند. آیه‌ای که در آن کلمه‌ی «حجاب» به‌کار رفته است، به زنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مربوط است؛ ولی مانعی ندارد که موضوع آن عام باشد و حکم حجاب برای همه‌ی زنان از آیه ثابت شود. گرچه در مورد زنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تأکید بیشتری وجود دارد؛ زیرا آن‌ها امّ المؤمنین هستند و لازم است در حفظ حجاب بیشتر احتیاط کنند. آیات

^۱ - نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳.

^۲ - مجمع البحرین، لسان العرب، کتاب الغنی، ماده عفت.

^۳ - سوره‌ی نور، آیه‌ی ۶۰.

مربوط به مسئله‌ی حجاب در دو سوره‌ی قرآن مطرح شده است: یکی در سوره‌ی نور و دیگری در سوره‌ی احزاب.

۱- آیات سوره‌ی نور

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِهِ مَا يَصْنَعُونَ * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّبَعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند و فروج خود را حفظ کنند؛ این برای آن‌ها پاکیزه‌تر است. خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم‌کیششان یا بردگانشان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند. آن‌ها هنگام راه‌رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد) و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید.

شان نزول

در شان نزول نخستین آیه، از امام باقر (علیه‌السلام) در کتاب کافی چنین نقل شده است: جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبه‌رو شد - در آن دوران زنان مقنعه‌ی خود را پشت گوش‌ها قرار می‌دادند و طبعاً گردن و مقداری از سینه‌ی آن‌ها نمایان می‌شد - چهره‌ی زن نظر جوان را جلب کرد و جوان چشم

^۱ - سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۰ و ۳۱

خود را به او دوخت، هنگامی که زن گذشت جوان همچنان با چشمان خود او را بدرقه می‌کرد، درحالی که راه خود را ادامه می‌داد، تا اینکه وارد کوچی تنگی شد و باز همچنان به پشت سر نگاه می‌کرد، ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه‌ای که در دیوار بود صورتش را شکافت، هنگامی که زن گذشت جوان به خود آمد و دید خون از صورتش جاری است و به لباس و سینه‌اش ریخته است، (سخت ناراحت شد) با خود گفت به خدا سوگند خدمت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌روم و این ماجرا را بازگو می‌کنم، هنگامی که چشم رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به او افتاد فرمود: چه شده است؟ و جوان ماجرا را نقل کرد، در این هنگام جبرئیل، پیک وحی خدا، نازل شد و آیه را خواند.^۱

مبارزه با چشم‌چرانی و ترک حجاب

این سوره درحقیقت سوره‌ی عفت، پاکدامنی و پاکسازی از انحرافات جنسی است. آیات مورد بحث احکام نگاه‌کردن، چشم‌چرانی و حجاب را بیان می‌کند و زنان را از بی‌عفتی و ترک حجاب منع می‌کند. استفاده‌ی وجوب حجاب از این آیات روشن است؛ همان‌گونه که فقهای عظام حکم وجوب حجاب را فهمیده‌اند و با استفاده از این آیات به وجوب حجاب و پوشش فتوا داده‌اند.

خداوند نخست در این آیات مؤمنان را از چشم‌چرانی منع کرده است و می‌فرماید: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ»، به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه‌کردن به زنان نامحرم و آنچه نظر افکندن بر آن حرام است) فرو گیرند و دامان خود را حفظ کنند. یَغُضُّوا از ماده‌ی غَض (بر وزن خز) و در اصل به معنای کم کردن و نقصان است و در بسیاری از موارد برای پایین آوردن صدا یا کم کردن نگاه استفاده می‌شود.^۲ قابل توجه اینکه قرآن نمی‌گوید از چه چیز چشمان خود را فرو گیرند (و به اصطلاح متعلق آن فعل را حذف کرده است) تا دلیل بر عموم باشد؛ یعنی از مشاهده‌ی هر چیزی چشم بگیرند که نگاه به آن حرام است. اما با توجه به سیاق آیات، به خصوص آیه‌ی بعد که درباره‌ی مسئله‌ی حجاب سخن می‌گوید، به خوبی روشن می‌شود که منظور نگاه‌کردن به زنان نامحرم است. شأن نزولی را که در بالا آوردیم نیز این مطلب را تأیید می‌کند.

^۱ - تفسیر نمونه، ج ۱۴ و وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۹.

^۲ - مجمع البحرین / ج ۴ / ۲۱۸

دومین دستور در آیهی فوق مسئلهی حفظ فروج است. این کلمه در زبان عربی به معنای عورت است که در فارسی، برای حفظ عفت در کلام، کلمه‌ی «دامن» را به کار می‌برند. بنابراین، منظور از حفظ فرج در روایات پوشاندن آن از نگاه دیگران است. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم: «كُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ مِنْ حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الزَّنَا إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ»^۱، هر آیه‌ای که در قرآن از حفظ فروج سخن می‌گوید، منظور حفظ کردن از زنا است؛ جز این آیه که منظور از آن حفظ کردن از نگاه دیگران است.

گاه این سؤال پیش می‌آید که چرا اسلام کاری را نهی می‌کند که با شهوت و خواست دل بسیار هماهنگ است؛ ولی در پایان آیه آمده است: ذَلِكَ أَرْكَى لَهُمْ، این برای آن‌ها بهتر و پاکیزه‌تر است. سپس، به کسانی که نگاه هوس‌آلود و آگاهانه به زنان نامحرم می‌کنند و گاه آن را غیراختیاری قلمداد می‌کنند اخطار می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»، خداوند از آنچه انجام می‌دهید مسلماً آگاه است. در آیهی بعد، خداوند به شرح وظایف زنان در این زمینه می‌پردازد. نخست، به وظایفی که مشابه مردان دارند اشاره می‌کند: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»، و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را فرو گیرند (و از نگاه کردن به مردان نامحرم خودداری کنند) و دامن خود را حفظ نمایند. به این ترتیب، چشم‌چرانی همان‌طور که بر مردان حرام است، بر زنان نیز حرام است و پوشانیدن عورت از نگاه دیگران همان‌طور که بر مردان واجب است، بر زنان نیز واجب است.

زینت پنهان و آشکار

در ادامه‌ی همان آیه، خداوند به مسئلهی حجاب اشاره می‌کند که از ویژگی زنان است: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»، خانم‌ها نباید زینت خود را آشکار سازند، جز آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است. در اینجا، منظور از زینتی که زنان باید بپوشانند و زینت آشکاری که در اظهار آن مجازند چیست؟ در این باره بین مفسران سخن بسیار است.^۲ اما، به گفته‌ی تفسیر نمونه حق این است که آیه را بدون پیش‌داوری و طبق ظاهر آن تفسیر کنیم. بنابراین، زنان حق ندارند زینت‌هایی را آشکار کنند که معمولاً

^۱ - فقه القرآن، ج ۲، ص ۱۲۷ و وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۶۶.

^۲ - تفسیر نمونه، جلد ۱۴.

پنهان است؛ هر چند اندامشان نمایان نشود. به این ترتیب، مجاز نیستند لباس‌های زینتی مخصوصی را که زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند آشکار کنند.

در روایات متعددی که از ائمه‌ی اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده است نیز همین معنی دیده می‌شود. آن‌ها زینت باطن را به قلاده (گردنبند)، دملج (بازوبند) و خلخال (زینتی که زنان عرب به میج پاها می‌کردند) تفسیر کرده‌اند. چنان‌که در روایت ابی‌الجارود از امام باقر (علیه‌السلام) نقل شده است: «وَلَا يُدِينُ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا فَهِيَ الثِّيَابُ وَالْكَحْلُ وَالْخَاتَمُ وَخِضَابُ الْكَفِّ وَالسَّوَارُ وَالزَّيْنَةُ ثَلَاثٌ زِينَةٌ لِلنَّاسِ وَزِينَةٌ لِلْمَحْرَمِ وَزِينَةٌ لِلزَّوْجِ فَأَمَّا زِينَةُ النَّاسِ فَقَدْ ذَكَرْنَا وَأَمَّا زِينَةُ الْمَحْرَمِ الْقِلَادَةُ فَمَا فَوْقَهَا وَالدُّمْلُجُ وَ مَا دُونَهُ وَالْخَلْخَالُ وَ مَا أَسْفَلَ مِنْهُ وَ أَمَّا زِينَةُ الزَّوْجِ فَالْجَسَدُ كُلُّهُ»^۱ چون در روایات متعدد دیگری زینت ظاهر را انگشتر، سرمه و مانند آن تفسیر کرده‌اند؛ می‌فهمیم منظور از زینت باطن خود زینت‌هایی است که نهفته و پوشیده است.

مقنعه یا روسری

دومین حکم در آیه این است که: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ»، خانم‌ها باید خمارهای خود را بر سینه‌های خود بیفکنند. خمر جمع خمار (بر وزن حجاب) و دراصل به معنای پوشش است؛ ولی معمولاً به چیزی گفته می‌شود که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند (روسری).^۲ جیوب جمع جیب (بر وزن غیب) و به معنای یقه‌ی پیراهن است که از آن به گریبان تعبیر می‌شود و گاه به قسمت بالای سینه، به تناسب مجاورت با آن، نیز اطلاق می‌گردد.^۳

از این جمله استفاده می‌شود که زنان، قبل از نزول آیه، دامنه‌ی روسری خود را به شانه‌ها یا پشت سر می‌انداختند، طوری که گردن و کمی از سینه‌ی آن‌ها نمایان می‌شد. قرآن دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود بیندازید تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است مستور شود (از شأن نزول آیه که قبلاً آوردیم نیز این معنی به خوبی استفاده می‌شود).

^۱ - بحار، ج ۱۰۱، ص ۳۳.

^۲ - مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۹۲.

^۳ - همان، ج ۲، ص ۲۸.

استثناءهای حجاب

در سومین حکم مواردی شرح داده می‌شود که زنان می‌توانند در آنجا حجاب خود را برگیرند و زینت پنهان خود را آشکار کنند. آن‌ها نباید زینت خود را آشکار کنند مگر در دوازده مورد که شامل افراد محرم، زنان، بردگان، کودکان و دیوانگان است.

کیفیت راه رفتن

خداوند چهارمین حکم را چنین بیان می‌کند: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»، آن‌ها به هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان آشکار شود و صدای خلخالی که بر پا دارند به گوش رسد. خانم‌ها باید در رعایت عفت و دوری از اموری سختگیر باشند که آتش شهوت را در دل مردان شعله‌ور می‌کند و ممکن است به انحراف از جاده‌ی عفت منتهی شود.

سرانجام، خداوند با دعوت عمومی همه‌ی مؤمنان، مرد و زن، به توبه و بازگشت به سوی خدا آیه را پایان می‌دهد: همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید. اگر در گذشته کارهای خلافی در این زمینه انجام داده‌اید، اکنون که حقایق احکام اسلام برای شما تبیین شد از خطاهای خود توبه کنید و خود را به او بسپارید!

۲- آیات سوره‌ی احزاب

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً * لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلاً»، ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو جلباب‌های (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند؛ این کار برای اینکه (از کنیزان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و (اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده) خداوند همواره غفور و رحیم است. اگر منافقان و آن‌ها که در دل‌هایشان بیماری است و (همچنین) آن‌ها که اخبار دروغ و شایعات

^۱ - سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۵۹ و ۶۰

بی‌اساس در مدینه پخش می‌کنند دست از کار خود بردارند، تو را بر ضد آنان می‌شورانیم، سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند.

شأن نزول

در تفسیر علی‌بن‌ابراهیم در شأن نزول آیه‌ی نخست چنین آمده است: «آن ایام زنان مسلمان به مسجد می‌رفتند و پشت سر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نماز می‌گزاردند. هنگام شب موقعی که برای نماز مغرب و عشا می‌رفتند، بعضی از جوانان هرزه و اوباش بر سر راه آن‌ها می‌نشستند و با مزاح و سخنان ناروا آن‌ها را آزار می‌دادند و مزاحم آنان می‌شدند. آیه‌ی فوق نازل شد و به آن‌ها دستور داد حجاب خود را به‌طور کامل رعایت کنند تا به‌خوبی شناخته نشوند و کسی بهانه‌ی مزاحمت پیدا نکند.^۱»

اخطار شدید به مزاحمان و شایعه‌پراکنان

آیات فوق دو بخش دارد: در بخش نخست، مسئله‌ی حجاب مورد بحث است؛ لذا خداوند به زنان باایمان دستور می‌دهد هرگونه بهانه و مستمسکی را از دست مفسده‌جویان بگیرند. در بخش دوم، با شدیدترین تهدید، که در آیات قرآن کم‌نظیر است، به منافقان و مزاحمان نوامیس مردم و شایعه‌پراکنان حمله می‌کند و موضع‌گیری پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را در مقابل آن‌ها مشخص می‌کند. خداوند در قسمت اول می‌گوید: «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ»، ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمن بگو روسری‌های بلند خود را بر خویش فرو افکنند تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند.

جلباب

مفسران و ارباب لغت چند معنی برای جلباب ذکر کرده‌اند؛^۲ اما قدر مشترک همه‌ی آن‌ها این است که بدن را با آن بیوشانند (درضمن، باید توجه داشت جلباب هم به کسر و هم فتح جیم قرائت می‌شود).

^۱ - تفسیر نمونه، ج ۱۷ و تفسیر علی بن ابراهیم، ج ۴، ص ۳۰۷.

^۲ - مجمع البحرین، مفردات راغب، تاج العروس.

بیشتر به نظر می‌رسد که منظور پوششی است که از روسری بزرگ‌تر و از چادر کوچک‌تر است؛ چنان‌که نویسنده‌ی لسان‌العرب روی آن تکیه کرده است.^۱

منظور از یدنین این است که زنان جلباب را به بدن خویش نزدیک کنند تا درست آن‌ها را محفوظ کند؛ نه اینکه آن را آزاد بگذارند طوری‌که گاه و بیگاه کنار رود و بدن آشکار گردد و به تعبیر ساده‌ی خودمان لباسشان را جمع‌وجور کنند. بعضی از این جمله استفاده کرده‌اند که صورت را نیز باید پوشانید؛ ولی این سخن هیچ دلالتی بر این معنی ندارد و کمتر کسی از مفسران پوشاندن صورت را در مفهوم آیه داخل دانسته است. به‌رحال، از این آیه استفاده می‌شود که حکم حجاب و پوشش برای زنان آزاد قبل از این زمان نازل شده بوده است؛ ولی بعضی از روی ساده‌اندیشی به‌خوبی مراقب آن نبوده‌اند و آیه‌ی فوق تأکید می‌کند که در رعایت آن دقیق باشند. از آنجاکه نزول این حکم جمعی از زنان باایمان را نگران گذشته‌شان کرد، خداوند در پایان آیه می‌افزاید: «وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»، خداوند همواره غفور و رحیم است.

در ادامه‌ی دستوری که به پوشش زنان باایمان داده شد، به مسئله‌ی دیگری پرداخته می‌شود؛ یعنی فعالیت‌های موزیانه‌ی ارادل و اوباش. «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا»، اگر منافقان و کسانی که در قلبشان بیماری است و نیز کسانی که اخبار دروغ در مدینه پخش می‌کنند دست از کارشان بر ندارند، ما تو را بر ضد آنان می‌شورانیم و بر آن‌ها مسلط خواهیم ساخت، سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند! «الْمُرْجِفُونَ» از ماده‌ی «ارجاف» و به‌معنای اشاعه‌ی باطل برای غمگین کردن دیگران است و اصل ارجاف به معنی اضطراب و تزلزل است.^۲ از آنجاکه شایعات باطل اضطراب عمومی ایجاد می‌کند، این واژه به آن اطلاق شده است. «نُغْرِيَنَّكَ» از ماده‌ی «اغراء» و به‌معنای دعوت به انجام کار و یادگرفتن چیزی توأم با تشویق و تحریض است.

از لحن آیه چنین استفاده می‌شود که سه گروه در مدینه مشغول خرابکاری بودند و هر کدام به نحوی کارهای شوم خود را انجام می‌دادند. این کارها به‌صورت برنامه و جریان در آمده بود و جنبه‌ی

^۱ - لسان‌العرب، ج ۱، ص ۲۷۲.

^۲ - مجمع‌البحرین، ج ۵، ص ۶۳.

شخصی و فردی نداشت. نخست، منافقان بودند که با توطئه‌های ضداسلامی برای براندازی اسلام می‌کوشیدند. دوم، اراذل و اوباش بودند که قرآن از آن‌ها به بیماردلان تعبیر کرده است (الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ). همان‌گونه که این تعبیر در آیه ۳۲ همین سوره احزاب در مورد افراد هوسباز و شهوتران نیز آمده است. گروه سوم کسانی بودند که با پخش شایعات در مدینه، به‌خصوص هنگامی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ارتش اسلام در غزوات بودند، روحیه‌ی بازماندگان را تضعیف می‌کردند و خبرهای دروغ درباره‌ی شکست پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و مؤمنان می‌دادند. به گفته‌ی بعضی از مفسران این گروه همان یهودها بودند. به این ترتیب، قرآن هر سه گروه را به شدت تهدید کرده است.

«تقفوا» از ماده‌ی «تقف و ثقافت» و به معنای دست‌یافتن و مسلط‌شدن بر چیزی با دقت و مهارت است.^۱ به همین دلیل به علم و فرهنگ ثقافت می‌گویند. ثقفا به این نکته اشاره دارد که بعد از این حمله‌ی عمومی آن سه گروه هیچ‌جا در امان نخواهند بود و آن‌ها را بادقت جستجو و پیدا می‌کنند و به دیار عدم می‌فرستند.

سپس، خداوند در آخرین آیه می‌افزاید این دستوری تازه نیست. این سنتی الهی و همیشگی بوده است که در اقوام پیشین وجود داشته است و هرگاه گروه‌های خرابکار بیش‌رمی و توطئه را از حد بگذرانند، فرمان حمله‌ی عمومی به آن‌ها صادر می‌شود (سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ).^۲ چون این حکم سنتی الهی بوده است هرگز دگرگون نخواهد شد؛ زیرا برای سنت خداوند تبدیل و تغییری وجود ندارد (لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا).^۳

نتیجه اینکه شدت لحن آیه و ذکر نام متجاوزان به حریم عفاف و حجاب در کنار منافقان و شایعه‌پراکنان، جدی‌بودن مسئله‌ی حجاب را نشان می‌دهد. بنابراین، آیه هرگونه ساده‌پنداشتن و بی‌اهمیت جلوه‌دادن پوشش اسلامی و گسترش فرهنگ بدحجابی و بی‌حجابی را از دست بهانه‌جویان می‌گیرد.

^۱ - کتاب العین، ج ۵، ص ۱۳۹.

^۲ - سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۸

^۳ - همان، آیه‌ی ۶۲

۳- آیات مرتبط دیگر به مسئله‌ی حجاب

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُجُجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا»^۱، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در بیوت پیامبر داخل نشوید، مگر به شما اجازه برای صرف غذا داده شود (مشروط بر اینکه قبل از موعد نیایید) و در انتظار وقت غذا ننشینید؛ اما هنگامی که دعوت شدید داخل شوید و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت ننشینید. این عمل پیامبر را ناراحت می‌کند؛ ولی او از شما شرم می‌کند. اما خداوند از (بیان) حق شرم ندارد و هنگامی که چیزی از وسائل زندگی (عاریت) از آن‌ها (همسران پیامبر) می‌خواهید، از پشت پرده بخواهید، این کار دل‌های شما و آن‌ها را پاک‌تر می‌دارد و شما حق ندارید رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را آزار دهید و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود درآورید که این کار نزد خدا عظیم است.

میان اعراب و بسیاری مردم دیگر معمول بوده است و البته هنوز هست که هنگام نیاز به بعضی وسائل زندگی، به صورت موقت آن را از همسایه به عاریت بگیرند. خان‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز از این قانون مستثنا نبوده است و افراد گاه و بیگاه می‌آمدند و چیزی از همسران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به عاریت می‌خواستند. روشن است قرار گرفتن همسران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در معرض دید مردم (هر چند با حجاب اسلامی باشند) کار خوبی نبوده است؛ لذا دستور داده شد از پشت پرده یا پشت در وسائل را به عاریت بگیرند.

^۱ - سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۵۳

اسلام و مسئله‌ی پرده‌نشینی زنان

نکته‌ای که باید در این آیه به آن توجه شود این است که منظور از حجاب پوشش زنان نیست؛ بلکه حکمی اضافه بر آن است که مخصوص همسران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بوده است و آن اینکه مردم موظف بودند، به دلیل موقعیت خاص همسران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، برای دریافت هر چیزی از آنان از پشت پرده اقدام کنند و آن‌ها حتی با پوشش اسلامی هم در برابر مردم ظاهر نمی‌شدند. البته این حکم درباره‌ی زنان دیگر وارد نیست و برای آن‌ها فقط رعایت پوشش کافی است. شاهد این سخن آنکه کلمه‌ی حجاب هر چند در استعمال‌های روزمره به معنای پوشش زن است؛ ولی در لغت و تعبیرات فقهای ما چنین مفهومی ندارد. در قرآن مجید، این کلمه همه‌جا به معنای پرده یا حائل به کار رفته است؛ مانند آیه‌ی ۴۵ سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی ص و آیه‌ی ۵۱ سوره‌ی شوری.

از قدیم تاکنون نیز فقها در مورد پوشش زنان معمولاً کلمه‌ی ستر را به کار برده‌اند و در روایات اسلامی نیز همین تعبیر یا شبیه آن وارد شده است. به کار بردن کلمه‌ی حجاب برای پوشش زنان اصطلاحی است که بیشتر در عصر ما پیدا شده است و اگر هم در تاریخ و روایات باشد بسیار کم است. اسلام به زنان مسلمان دستور پرده‌نشینی نداده است و تعبیر پردگیان و تعبیرهایی شبیه به این در مورد زنان جنبه‌ی اسلامی ندارد. آنچه درباره‌ی زن مسلمان لازم است، داشتن همان پوشش اسلامی است؛ ولی به زنان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، به دلیل وجود دشمنان فراوان و عیب‌جویان مغرض، این دستور خاص داده شده است. لذا، قرآن بعد از این دستور دلیل آن را چنین بیان می‌فرماید: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ»، این برای پاکی دل‌های شما و آنان بهتر است. درحقیقت، آیه‌ی فوق کمال عفت را در مورد زنان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بیان می‌کند. آنان به دلیل نسبتشان با پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) جایگاهی ویژه دارند؛ لذا دید مردم و قضاوتشان در برابر آن‌ها به گونه‌ای دیگر خواهد بود. به همین دلیل، در آیات ۳۲ تا ۳۴ سوره‌ی احزاب، خداوند به صورت مستقیم زنان آن حضرت را خطاب می‌کنند و حساب آن‌ها را از دیگران جدا می‌کنند.

دستورهای ویژه به همسران پیامبر

در آیات قبل همین سوره، از موقعیت و مسئولیت سنگین همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن گفته شده است؛ در ادامه نیز این موضوع همچنان ادامه می‌یابد و شش دستور مهم به همسران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) داده می‌شود. خداوند نخست در مقدمه‌ای کوتاه می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ...»، ای همسران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شما همچون یکی از زنان عادی نیستید اگر تقوا پیشه کنید... .

همسران پیامبر به دلیل انتسابتان به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از یک سو و قرار گرفتن در کانون وحی و شنیدن آیات قرآن و تعلیمات اسلام از سوی دیگر موقعیتی خاص دارند و می‌توانند سرمشقی برای همه‌ی زنان باشند، چه در مسیر تقوا و چه در مسیر گناه.

به دنبال این مقدمه که طرف را برای پذیرش مسئولیت‌ها آماده می‌کند و به آن‌ها شخصیت می‌دهد، نخستین دستور را در زمینه‌ی عفت صادر می‌کند و به‌خصوص به سراغ نکته‌ای مهم می‌رود تا مسائل دیگر در این رابطه خودبه‌خود روشن گردد. ایشان می‌فرمایند: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»، به‌گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند.

در پایان آیه نیز دومین دستور را این‌گونه شرح می‌دهد: «وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا»، شما باید به‌صورت شایسته‌ای که مورد رضای خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و توأم با حق و عدالت باشد سخن بگویید. درحقیقت، جمله‌ی «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ» به کیفیت سخن گفتن اشاره دارد و جمله‌ی «قُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» به محتوای سخن. جمله‌ی اخیر می‌تواند توضیحی برای جمله‌ی نخست باشد. مبدا کسی تصور کند رفتار زنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) باید با مردان بیگانه موزیانه یا دور از ادب باشد؛ بلکه باید رفتاری شایسته و مؤدبانه داشته باشند و درعین حال بدون هیچ‌گونه جنبه‌های تحریک‌آمیز باشد.

سپس، سومین دستور که در زمینه‌ی رعایت عفت است صادر می‌شود: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»، شما در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین در میان جمعیت ظاهر نشوید و اندام و وسائل زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید.

«قرن» از ماده‌ی وقار و به معنای سنگینی است^۱ و در اینجا کنایه از قرارگرفتن در خانه‌هاست. بعضی نیز احتمال داده‌اند از ماده‌ی قرار بوده باشد که از نظر نتیجه تفاوت چندانی با معنی اول نخواهد داشت. «تبرج» به معنای آشکارشدن در برابر مردم است و در این آیه آشکارکردن زینت و خودنمایی و جلوه‌گری زنان در انظار بیگانه است.^۲ این کلمه از ماده‌ی برج گرفته شده است که در برابر دیدگان همه ظاهر است.

اما منظور از جاهلیت اولی چیست؟ ظاهراً همان جاهلیتی است که با عصر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مقارن بوده است. در تاریخ آمده است که در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند و به این ترتیب قرآن همسران پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را از این گونه اعمال باز می‌دارد.^۳ بی‌شک، این حکمی عام است و اصرار آیات بر زنان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای تأکید بیشتر بوده است. درست مثل اینکه به شخصی دانشمند بگوییم تو که دانشمندی دروغ نگو؛ اما به این مفهوم نیست که دروغ‌گفتن برای دیگران مجاز است و منظور این است که مرد عالم باید به صورت جدی‌تر از این کار پرهیز کند.^۴

در نهایت، دستور چهارم، پنجم و ششم را به این صورت بیان می‌فرماید: «وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»، شما زنان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نماز را بر پا دارید، زکات را ادا کنید و خدا و رسولش را اطاعت نمایید.

مقدار پوشش واجب

از مجموع آیاتی که در مورد حجاب است هیچ‌گاه پرده‌نشینی و پشت پرده‌بودن زن استفاده نمی‌شود. حجاب واجب همان پوشیدن روسری و پیدانبودن زینت‌هایی مانند گردنبند، گوشواره و دستبند است. بسط‌دادن دستوره‌ای که به زنان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) داده شده است به زنان دیگر دلیل ندارد. لذا، کسانی اسلام را به پرده‌نشینی زنان متهم می‌کنند که یا بی‌اطلاع‌اند یا مقاصد شوم استعماری دارند و برای بد جلوه‌دادن شریعت اسلام قلم‌به‌دستان بی‌تقوا را به خدمت گرفته‌اند.

^۱ - لسان العرب، ج ۵، ص ۲۹۰.

^۲ - همان، ج ۲، ص ۲۱۲.

^۳ - تفسیر نمونه ذیل آیه‌ی مورد بحث.

^۴ - همان.

ب: حجاب در روایات

مسئله‌ی حجاب و پوشش زنان در روایات دامنه‌ی گسترده‌ای دارد. این روایات به چند دسته تقسیم می‌شود:

یک دسته از روایات از ارزش و لزوم حجاب و پاک‌زیستی سخن می‌گویند، دسته‌ی دیگر چشم‌چرانی را نهی می‌کنند، برخی دیگر از روایات عفت‌داشتن و حجاب را ستایش می‌کنند و برخی دیگر از کنترل رفتار زن و مرد سخن می‌گویند. در ادامه، به نمونه‌ای از این روایات اشاره می‌کنیم:

۱- نکوهش چشم‌چرانی

در روایات، چشم‌چرانی و نگاه‌های هوس‌آلود به ناموس مردم بسیار نکوهش شده است و بسیاری از روایات پیامدهای بد و اثرات زیانبار این عمل را بیان کرده‌اند. در حدیثی از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) چنین می‌خوانیم: «النَّظْرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ»^۱، نگاه‌کردن حرام تیر زهرآلودی از تیرهای شیطان است؛ پس کسی که از خوف خدا ترک کند، خداوند ایمانی به او عطا می‌کند که شیرینی آن در قلبش ایجاد می‌شود.

همچنین، در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است: «النَّظْرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَكَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْزَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً»^۲، نگاه‌کردن حرام تیر زهرآلود شیطان است؛ چه بسا بعضی نگاه‌ها پشیمانی طولانی به دنبال دارد.

در روایتی دیگر از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) چنین نقل شده است: «النَّظْرُ إِلَى مَحَاسِنِ النِّسَاءِ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهُ أَذَاقَهُ اللَّهُ طَعْمَ عِبَادَةِ تَسْرُهُ»^۳، نگاه‌کردن به زیبایی‌های زنان از تیرهای شیطان است؛ اگر کسی ترک کند خداوند شیرینی عبادتی که او را خوشحال کند به او می‌چشاند.

همان‌گونه‌که مشاهده کردید، در این احادیث نگاه‌کردن حرام به زهرکشنده تشبیه شده است و حتی می‌توان گفت آثار زیانبار نگاه‌های حرام بدتر و زنده‌تر از زهر است؛ زیرا زهر بدن انسان را نابود می‌کند و رابطه‌ی انسان را با دنیا و مخلوق خدا قطع می‌کند؛ اما نگاه‌های حرام معنویت انسان را

^۱ - بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۸.

^۲ - کافی، ج ۵، ص ۵۵۹.

^۳ - مستدرک، ج ۱۴، ص ۲۷۰.

متلاشی می‌کند و رابطه‌ی انسان را با خالق قطع می‌کند. بدین جهت، شیرینی ایمان و لذت عبادت از او گرفته می‌شود.

علی (علیه‌السلام) پرهیز از نگاه‌های حرام را شکرگذاری از نعمت چشم معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«لَيْسَ فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقَلُّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ فَلَا تُعْطُوهَا سُؤْلَهَا فَتَشْغَلَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
وَ قَالَ (علیه‌السلام) لَكُمْ أَوْلُ نَظْرَةٍ إِلَى الْمَرْأَةِ فَلَا تُتْبِعُوهَا بِنَظْرَةِ أُخْرَى وَ احْذَرُوا الْفِتْنَةَ»^۱، در وجود
انسان چیزی کمتر از شکر چشم نیست؛ پس نگاهت را رها مساز تا تو را از ذکر خدا باز
دارد و در ادامه فرمود اولین نگاه به زن نامحرم را تکرار و متابعت مکن و از فتنه و فساد
پرهیز کن.

امام باقر (علیه‌السلام) از حالات چشم، در روز قیامت، سخن به میان آورده است و درباره‌ی چشمی که
نگاه‌هایش را از نامحرم باز می‌دارد می‌فرماید: «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غَيْرَ ثَلَاثٍ عَيْنٍ سَهْرَتْ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَيْنٍ فَاضَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٍ غُضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ»^۲، همه‌ی چشم‌ها در روز قیامت
گریان است؛ مگر چشمی که در راه خدا بیدار مانده باشد و از خوف خدا اشک ریخته باشد و چشمی
که از نگاه‌های حرام پرهیز کرده باشد.

۲- ارزش حجاب و پوشش

در این دسته از روایات، با عبارتهای مختلف، به حفظ حجاب و پرهیز از بی‌حجابی سفارش شده
است. از مجموع این روایات ارزش حجاب و پوشش در اسلام و جدی بودن آن برای بانوان برداشت
می‌شود. چنانکه در روایتی از علی (علیه‌السلام) چنین می‌خوانیم: «وَ أَكْفَى عَلَيْنَهُنَّ مِنْ أُبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ
إِبَاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْنَهُنَّ»^۳، زن‌ها را با حجاب و پوشش حفظ کن. به‌درستی که جدی گرفتن
حجاب برای زنان سالم‌تر و ماندگارتر است. اسلام حجاب و پوشش اسلامی را برای خانم‌ها به‌گونه‌ای
توصیه می‌کند که با حفظ آن امکان سوءاستفاده از مزاحمان و مردان بیگانه گرفته می‌شود و زمینه‌ی
جلب توجه خنثی می‌شود. از این رو، اسلام استعمال بوی خوش را در بیرون از منزل برای خانم‌ها ممنوع

^۱ - بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۵، باب ۳۴.

^۲ - الکافی، ج ۲، ص ۸۰.

^۳ - نهج البلاغه، ص ۴۰۵.

کرده است؛ زیرا مقدمه‌ی فساد است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُجَمَّرَ ثَوْبَهَا إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا»^۱، برای زن سزاوار نیست که وقتی از منزل بیرون می‌رود لباسش را خوشبو کند. اسلام حجاب و پوشش اسلامی را فقط وظیفه‌ی زن نمی‌داند؛ بلکه به مردان هم سفارش می‌کند در برابر بی‌حجابی همسرانشان بی‌تفاوت نباشند. لذا، در روایتی به نقل از امام رضا (علیه السلام) چنین آمده است: «وَقَدْ لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) سَبْعَةَ إِلَى أَنْ قَالَ وَ الْمُتَغَابِلُ عَنْ زَوْجَتِهِ وَ هُوَ الدِّيُوثُ»^۲، پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) هفت طایفه را لعن نمود تا اینکه فرمود: کسی که در مورد زنش سهل‌انگار است دیوث است.

۳- ستایش عفت و حجاب

در این دسته از روایات، خانم‌های عفیف و باحجاب ستایش و تشویق می‌شوند و با این کار زنان مسلمان برای پذیرایی حکم حجاب آماده می‌شوند. همچنین، این آیات از اجر و پاداش عفت و پرهیزگاری خبر می‌دهد که فقط با رعایت پوشش اسلامی میسر است و بی‌عفتی را نهی می‌کند که به دلیل ترک حجاب دامنگیر زنان مسلمان می‌شود. این آیات به عواقب بد بی‌حجابی و بی‌عفتی نیز اشاره می‌کند که سرانجامش لعن خداوند و آتش جهنم است.

به گفته‌ی علی (علیه السلام) زن باعفت و باحجاب هم‌ردیف مجاهد در راه خدا و ملکی از ملائکه‌هاست: «مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ»^۳، اجر و پاداش مجاهد شهید در راه خدا بالاتر از اجر و پاداش انسان باعفت و پرهیزکار نیست؛ انسان عفیف و پاکدامن هم‌ردیف ملکی از ملائکه‌هاست.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «الْحَيَاءُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تَسَعَةٌ فِي النِّسَاءِ وَ وَاحِدَةٌ فِي الرِّجَالِ»^۴، حیادارای ده جزء است، نه جزء آن در زن‌هاست و یک جزء آن در مردان.

^۱ - کافی، ج ۵، ص ۵۱۹.

^۲ - مستدرک، ج ۱۴، ص ۲۹۱.

^۳ - نهج البلاغه، ص ۵۵۹.

^۴ - من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۸.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ عِفَّةُ الْبَطْنِ وَالْفَرَجُ»^۱، بالاترین عبادت عفت شکم و دامن است.

در حدیثی، امام علی (علیه السلام) بی تفاوت بودن مردان در مقابل عفت، پاکدامنی و پاکزیستی همسرانشان را از بی غیرتی مردان قلمداد کرده اند؛ لذا با خطاب به اهل عراق می فرماید: «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُوَافِقِينَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَقَالَ لَعْنُ اللَّهِ مَنْ لَا يَعَارُ»^۲، ای مردم عراق به من خبر رسیده است که زنان شما در مسیر راه با مردان شانه می زنند؛ آیا حیا نمی کنید؟ و بعد فرمود خدا لعنت کند کسی را که غیرت نداشته باشد.

مردانی که به جلوه‌گری و خودنمایی همسرانشان در بیرون از منزل راضی باشند، در گناه همسرانشان شریک و مستحق آتش جهنم اند. «الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتَزَيِّنَةً مُتَعَطِّرَةً وَالزَّوْجُ بِذَلِكَ رَاضٍ يُبْنِي لِزَوْجِهَا بِه كُلِّ قَدَمٍ بَيْتٍ فِي النَّارِ»^۳، و همچنین در روایتی می خوانیم زن وقتی از خانه اش با زینت و بوی خوش بیرون می رود و شوهرش هم به این راضی است، با هر قدم همسرش برای او خانه‌ای در جهنم بنا می شود.

۴- کنترل رفتار زن و مرد

برای اینکه در جامعه‌ی اسلامی کاملاً جانب عفاف و پاکزیستی رعایت شود و مردان و زنان مسلمان به گناه آلوده نشوند و جلوی فتنه و فساد گرفته شود، مردان و زنان از معاشرت‌ها و تماس‌هایی که ممکن است آتش شهوت را در دلشان بیدار کند منع شده‌اند؛ مانند مصافحه و خودآرایی و زینت زنان بیرون از منزل و هم صحبت شدن غیر ضروری زنان با مردان نامحرم.

در حدیثی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «مَنْ صَافَحَ امْرَأَةً تَحْرُمُ عَلَيْهِ فَقَدْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَنْ التَزَّمَ امْرَأَةً حَرَامًا قُرْنَ فِي سِلْسِلَةٍ مِنْ نَارٍ مَعَ الشَّيْطَانِ فَيُقَذَّفَانِ فِي النَّارِ»^۴، زنی که با مردی نامحرم دست بدهد مورد غضب الهی قرار گرفته و به غضب او برگشته است. همچنین، از آن حضرت نقل شده است:

^۱ - کافی، ج ۲، ص ۷۹.

^۲ - بحار، ج ۷۶، ص ۱۱۵.

^۳ - بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۹.

^۴ - همان، ج ۱۰۱، ص ۳۲.

« نَهَى أَنْ تَخْرُجَ الْمَرْأَةُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَإِنْ خَرَجَتْ لَعْنَهَا كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ وَكُلُّ شَيْءٍ تَمُرُّ عَلَيْهِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا وَنَهَى أَنْ تَتَزَيَّنَ الْمَرْأَةُ لِغَيْرِ زَوْجِهَا فَإِنْ فَعَلَتْ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ وَنَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا وَغَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ^۱، روایت است که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) از خارج شدن زن‌ها بدون اجازه‌ی شوهرانشان نهی نمود و فرمود: زنی که بدون اجازه‌ی شوهرش از خانه بیرون می‌رود مورد لعن همه‌ی ملائکه‌های خداوند و هر چیزی که جن و انس بر آن مرور می‌کند قرار می‌گیرد تا اینکه به خانه‌اش برگردد و همچنان نهی کرد از زینت کردن زن برای غیر از همسرش و فرمود: اگر کسی چنین کند حق است بر خداوند که او را در آتش جهنم بسوزاند و نهی کرد از سخن گفتن زنان با غیر شوهرش بیشتر از پنج کلمه‌ای که مورد نیاز است.

فطری بودن حجاب

مسئله‌ی حجاب و پوشش برای انسان‌ها مسئله‌ای فطری است. قرآن می‌فرماید: از زمان خلقت آدم مسئله‌ی پوشش مطرح بوده است. حتی قبل از اینکه آدم و همسرش از بهشت رانده شوند، لباس بهشتی داشتند؛ اما به دلیل ترک اولی که همان استفاده از شجره‌ی ممنوعه بود، چنین لباسی از بدنشان فرو میریزد و آنگاه متوجه می‌شوند که برهنه‌اند. در همین حال، انگیزه‌ی پوشش طلبی و عفت‌خواهی آن دو را وادار می‌کند از برگ درختان بهشتی لباسی تهیه کنند. قرآن در این باره چنین می‌فرماید: «إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى^۲»، بهشت برای شما جایگاه خوبی است؛ در آن هرگز گرسنه و برهنه نخواهی شد.

بنابراین، از این آیه به خوبی به دست می‌آید که فطرت اولیه‌ی انسان براساس پوشش طلبی، عفت‌خواهی و حیا درمقابل همنوعانش بنا نهاده شده است. پس، اصل حجاب و پوشش برای بشر امری فطری و طبیعی است و درمقابل آن برهنگی است که خلاف فطرت و طبیعت بشر است. با این

^۱ - همان، ج ۱۰۰، ص ۲۴۳.

^۲ - سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۱۸.

بیان روشن می‌شود که اصل حجاب و پوشش ویژه‌ی دین مقدس اسلام نبوده است و از اول خلقت بشر مطرح بوده است؛ با این تفاوت که اسلام برای پوشش زنان کیفیت خاصی را بیان کرده است و به همین دلیل با نام حجاب اسلامی مورد توجه علما و دانشمندان اسلامی قرار گرفته است.^۱

حجاب از نظر عقل

لزوم پوشش از نظر عقل بر هیچ عاقلی پوشیده نیست؛ زیرا عقل سلیم هر چیزی که برای انسان مایه‌ی کرامت، موجب استواری اجتماع و سبب آرامش روانی افراد می‌شود را نیکو و شایسته می‌بیند و هر چیزی که باعث فساد، تباهی جامعه و سقوط اخلاق می‌شود را مذموم و ناپسند می‌داند. فضیلت حیا یکی از گزاره‌های عقل است و حیا انسان را به سوی حفظ پوشش و عفت دعوت می‌کند و به عکس بی‌حیایی که ماحصل جهل است انسان را به برهنگی و بی‌عفتی می‌خواند. امام علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند: خداوند آدم را بین عقل، حیا و دین مخیر کرد؛ آدم عقل را انتخاب کرد. خداوند، توسط جبرئیل، به حیا و دین گفت از عقل دور شوید. آن‌ها به جبرئیل گفتند: «إِنَّا أُمِرْنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ»، ما همواره با عقل خواهیم بود.^۲

فلسفه‌ی حجاب

حجاب در اسلام از مسئله‌ای اساسی و ریشه‌ای نشأت می‌گیرد؛ اسلام می‌خواهد لذت‌های جنسی زن و مرد در منزل و نظام خانوادگی محصور باشد و به محیط‌های اجتماع که مخصوص کار و تلاش است کشیده نشود. از طرف دیگر، اسلام نمی‌خواهد زنان برای تمتعات مردان خودشان را رایگان عرضه کنند؛ بلکه تمتعات مردان از زنان باید براساس سلسله‌ی تعهدات متقابل باشد. محیط اجتماع صرفاً باید برای کار و فعالیت باشد، نه برای کامجویی و لذت‌جویی. براین اساس، وقتی زنان وارد اجتماع می‌شوند و در محیطی خارج از منزل قرار می‌گیرند، باید پوشیده باشند و با حجاب اسلامی در اجتماع ظاهر شوند. این خود فلسفه‌ای دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

^۱ - اقتباس از کتاب حجاب بیانگر شخصیت زن.

^۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۱۰ و ۱۱.

۱- آرامش روانی و اجتماعی

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی و معاشرت‌های بی‌بندوبار هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را افزایش می‌دهد و تقاضای سکس را به صورت عطش روحی و خواستی اشباع نشدنی درمی‌آورد. غریزه‌ی جنسی نیرومند و دریا صفت است؛ هرچه بیشتر از آن اطاعت شود، بیشتر می‌گردد و آتشش شعله‌ورتر می‌شود. این امر زمانی به اوج خود می‌رسد که زنان بی‌حجاب و با آرایش، عشوه‌گری و خودنمایی در مکان‌های عمومی، اداره‌ها و کارخانه‌ها، که مردان نیز در آن‌ها حضور دارند، وارد شوند. ناگفته پیداست که با چنین وضعیتی مردان، به‌خصوص جوانان، در حالت تحریک دائم قرار می‌گیرند؛ تحریکی که هر آن به مغز و اعصاب آن‌ها فشار می‌آورد و تداوم این حالت سبب بروز امراض روحی و روانی می‌شود. چنانچه همه‌ی پزشکان روانی معتقدند: «هیجان مستمر باعث بیماری روانی خواهد شد»^۱.

اسلام با دستور حجاب از این بیماری، التهاب‌ها و تحریک غریزه‌ی جنسی پیشگیری کرده است؛ تحریکی که اگر کنترل نشود به طغیانگری و هواپرستی منجر می‌شود. اسلام غریزه‌ی جنسی زن و مرد را با رعایت پوشش اسلامی تعدیل کرده است. اسلام هیچ‌گاه طرفدار روح و اعصاب ناآرام و بیماری‌های روانی نیست؛ اسلام می‌خواهد بشریت روح آرام و اعصاب آرام و سالم داشته باشد.

۲- اجازه‌ی ورود در فعالیت‌های اجتماعی

البته این نکته را نباید فراموش کرد که اسلام نمی‌خواهد زنان، که نیمی از پیکر جامعه هستند، خانه‌نشین شوند. روایاتی که به مسئله‌ی خانه‌داری، شوهرداری و تربیت فرزندان زنان تأکید دارد بیانگر ارزش و اهمیت کانون خانواده است که اسلام به آن قائل است. اسلام می‌خواهد بگوید که تربیت فرزندان، شوهرداری، انجام کارهای خانه و سروسامان‌دادن منزل برای زنان اولویت دارد و اگر نیازی وجود نداشته باشد بهتر است زن کار بیرون از منزل را در رتبه‌ی دوم قرار دهد؛ اما اگر جایی حضور زنان لازم باشد یا پیشرفت اجتماع به همکاری و کمک زنان احتیاج داشته باشد، نه تنها از نظر اسلام حضور زنان ممنوع نیست، بلکه واجب است. به‌همین دلیل، اسلام مسئله‌ی حجاب و پوشش زن را مطرح

^۱ - حجاب بیانگر شخصیت زن، ص ۷۹، محمدی اشتهاردی.

می‌کند. بنابراین، مسئله‌ی حجاب محکم‌ترین دلیل جواز حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی است؛ زیرا حکم حجاب برای خارج‌شدن زنان از منزل و واردشدن آن‌ها در مکان‌های عمومی و انجام فعالیت‌های اجتماعی است. اگر اسلام مخالف حضور زنان در اجتماع بود و زنان را به خانه‌نشینی دعوت کرده بود، معنا نداشت حکم حجاب جعل شود.

۳- استحکام نظام خانواده

پوشش بانوان عامل خوش‌بختی ایشان است. پوشش زن موجب تحکیم روابط زناشویی در محیط خانوادگی و ازدواج مشروع است. پوشیدگی زن جلوی معاشرت‌های بی‌بندوبار و خلاف ارزش‌های اسلامی را می‌گیرد و به‌صورت متقابل محیط خانه را پر از مهر و وفا می‌کند و در نتیجه پیوند زناشویی رفاقت و صمیمیت در زوج‌ها به‌وجود می‌آورد. اسلام می‌خواهد همه‌ی علاقه و توجه زوج‌ها به یکدیگر باشد و همسر چشمش فقط به شوهرش دوخته شود.^۱

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به دخترش فاطمه فرمود: «ای شیء خیر للمراة؟ قالت: ان لاتری رجلاً و لا یراها رجل»، بهترین چیز (زینت‌ها) برای زن کدام است؟ عرض کرد: او مردی را نبیند و مردی او را نبیند.^۲

ابن سینا، فیلسوف معروف شرق، می‌گوید: «بر مرد لازم است زن را به تربیت فرزندان و تدبیر خانه‌داری مشغول نموده و وسائل پوشش و آرامش او را مهیا نماید. اگر زن بیکار و به کار خانگی خود مشغول نباشد، قهراً میل به نمایش و اسراف زینت و لهو می‌کند؛ به این واسطه از وظیفه‌ی طبیعی خود خارج شده سرانجام مخالفت با حقوق و بزرگواری مرد می‌کند».^۳ در محیطی که حجاب است (و شرایط دیگر اسلامی رعایت می‌شود)، دو همسر به همدیگر تعلق پیدا می‌کنند و احساسات، عشق و عواطفشان مخصوص یکدیگر می‌شود. در بازار آزاد برهنگی، عملاً زنان به‌صورت کالای مشترکی (دست‌کم در مرحله‌ی غیرآمیزی جنسی) درآمده‌اند و دیگر قداست پیمان زناشویی مفهومی ندارد و

^۱ - حجاب در اسلام، ص ۱۴.

^۲ - مرآت النساء، ص ۱۳۰ و وسائل، ج ۳، ص ۹.

^۳ - حجاب در اسلام، ص ۱۵، به نقل از طومار عفت، ۱۷۶.

خانواده‌ها همچون تار عنکبوت به سرعت متلاشی می‌شوند و کودکان بی‌سرپرست می‌مانند.^۱ رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «الْمَرْأَةُ عَوْرَةٌ سَتْرُهَا بَيْتُهَا فَإِذَا خَرَجَتْ اسْتَشْرَفَهَا الشَّيْطَانُ»، زن موجودی آسیب‌پذیر است که خانه از او حافظت می‌کند؛ وقتی بدون حجاب بیرون آید، شیطان او را احاطه می‌کند.^۲

۴- حفظ حرمت و کرامت زن

زن از نظر شخصیت و کرامت با مرد فرقی ندارد. زن در دیدگاه اسلام بالاترین مقام را دارد؛ زیرا مقام مادری ویژه‌ی زنان است.

حریم نگاه‌داشتن بین زن و مرد یکی از وسایل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقعیت خود از آن در برابر مرد استفاده کرده است. اسلام زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند و تأکید کرده است که زن هر مقدار متین‌تر و باوقارتر و عقیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می‌شود.^۳

در جامعه‌ای که قانون حجاب رعایت نمی‌شود، زنان به خودآرایی، خودنمایی و جلوه‌کردن در انظار مردان بیگانه روی می‌آورند و این امر، به‌متابه‌ی فرهنگی در جامعه، از کرامت و شخصیت و مقام مربی‌گری زن می‌کاهد. شگفت اینجاست همان‌های که فرهنگ بی‌حجابی را تبلیغ می‌کنند و شعار دفاع از آزادی زنان را سر می‌دهند، گه‌گاهی دانشمندانشان اظهار می‌دارند که حیا و عفت در بالابردن مقام زن برای مرد تأثیرگذار است. دورنگه‌داشتن زن از مرد آتش عشق مردان را تیزتر می‌کند، تسلط معنوی زن را بر مرد افزایش می‌دهد و قدرت و محبوبیت زن را بیشتر می‌کند.

ویل دورانت می‌گوید:

خودداری از انبساط و امساک در بذل و بخشش بهترین سلاح برای شکار مردان است. اگر اعضای نهانی انسان را در معرض عام تشریح می‌کردند، توجه ما به آن جلب می‌شد؛ ولی

^۱ - تفسیر نمونه، ج ۱۴.

^۲ - حجاب بیانگر، ص ۷۳، به نقل از سنن ترمذی، ج ۳، ص ۲۷؛ مجموعه ورام / ج ۲ / ۱۱۹ / الجزء الثاني

^۳ - مسئله‌ی حجاب، ص ۹۵، مرتضی مطهری.

رغبت و قصد به ندرت تحریک می‌گردد. مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیاست و بی آنکه بداند حس می‌کند که این خودداری ظریفانه از یک لطف و رقت عالی خبر می‌دهد.^۱

یکی دیگر از دانشمندان به نام برتراند راسل می‌گوید: «از لحاظ هنر مایه‌ی تأسف است که به‌آسانی به زنان بتوان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد بدون آنکه غیرممکن گردد».^۲

از همه شگفت‌انگیزتر سخنی است که یکی از مجله‌های زنانه از آلفرد هیچکاک – که به قول آن مجله، به دلیل شغل فیلمسازی، هیچکاک درباره‌ی زنان تجارب فراوانی داشت – نقل می‌کند. او می‌گوید:

زنان شرقی تا چند سال پیش به‌خاطر حجاب و نقاب و روی‌بندی که به‌کار می‌بردند خودبه‌خود جذاب می‌نمودند و همین مسئله جاذبه‌ی نیرومندی بدان‌ها می‌داد؛ اما به تدریج با تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می‌دهند حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود از میان می‌رود و همراه آن از جاذبه‌ی جنسی او هم کاسته می‌شود.^۳

مولوی، شاعر توانا و عارف نازک‌اندیش، مثلی بسیار زیبا درباره‌ی حریم زن و افزایش قدرت و محبوبیت زن به‌وسیله حجاب می‌گوید. نخست، او درباره‌ی تسلط معنوی زن بر مرد چنین سخن می‌گوید:

| | |
|-----------------------------|------------------------------|
| زین للناس حق آراسته است | زانچه حق آراست چون دانند جست |
| چون پی یسکن البهاس آفرید | کی تواند آدم از حوا برید |
| رستم زال ار بود وز حمزه پیش | هست در فرمان اسیر زال خویش |
| آنکه عالم مست گفتارش بدی | کلمینیی یا حمیی را می زدی |

^۱ - مسئله حجاب، ص ۶۹ - ۷۴.

^۲ - همان.

^۳ - همان.

آنگاه، زن و مرد را به آب و آتش تشبیه می‌کند و می‌گوید مثل زن مثل آتش است و مثل مرد مثل آب. اگر حایلی بین آب و آتش نباشد، آب بر آتش غلبه می‌کند و آن را خاموش می‌کند؛ اما اگر حایلی باشد و آب را در دیگ قرار دهند و آتش را زیر دیگ روشن کنند، اندک‌اندک آب گرم می‌شود و به جوش می‌آید؛ تا آنجا که آب به بخار تبدیل می‌شود.

آب غالب شد بر آتش از لهیب زاتش او جوشد چو باشد در «حجیب»
چونکه دیگی حایل آمد آن دو را نیست کرد آن آب را کردش هوا^۱

مبارزه با فرهنگ بیگانه

شکی نیست که فرهنگ بی‌حجابی و برهنگی فرهنگی وارداتی و غربی است. یکی از حربه‌های مهم استکبار در مقابله با مسلمانان حمله به فرهنگ اسلامی و ترویج فرهنگ مبتذل خودشان است. به گواهی تاریخ، استکبار جهانی از جوانان باایمان و مسلمانان معتقد که غیرت و شجاعت دینی دارند شکست خورده است؛ از این رو برای سست کردن باورهای دینی و به فسادکشاندن جوانان مسلمانان با ترفندهای مختلفی دست‌به‌کار شده است که ترویج فرهنگ بی‌حجابی، برهنگی و لباس‌های غربی و همچنین انتقاد از حجاب اسلامی یکی از آن ترفندهاست. بنابراین، برای اینکه حجاب اسلامی را از زنان مسلمان بگیرند، گفتند که حجاب اسلامی مخالف آزادی زنان و مخالف تمدن است. از طرفی هم با مزدوران دست‌نشانده‌شان در کشورهای اسلامی (ایران، ترکیه، افغانستان) همدست شدند و دستور بی‌حجابی را صادر کردند. عده‌ای نیز تحت تأثیر شعارهایشان قرار گرفتند و دید برخاسته از باورهای مذهبی‌شان در برابر حجاب اسلامی را از دست دادند و طبق خواست استعمار به مدل‌های غربی روی آوردند.

زنان مسلمان می‌دانند که اسلام مخالف آزادی زن و تمدن واقعی، چه در بعد مادی و چه در بعد معنوی، جامعه‌ی بشری نیست. اسلام خواهان تمدن مادی و معنوی انسان‌هاست. اسلام نه تنها تمدن می‌خواهد، بلکه خود آورنده‌ی تمدن است. اسلام مخالف بی‌بندوباری، بی‌عفتی و فرهنگ مبتذل بیگانه است؛ زیرا فرهنگ اسلام فرهنگی برتر و به تمدن واقعی نزدیک‌تر است. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

^۱ - دفتر اول، بخش ۱۱۸، مراعات کردن زن شوهر را.

فرموده‌اند: «الاسلامُ يعلو ولا يُعلَى عَلَيْهِ»^۱، فرهنگ اسلام برتر و متمدن‌تر است و برتر از آن فرهنگی نیست. حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به دنبال این حدیث فرموده‌اند: «نَحْنُ نَرْتُهُمْ وَلَا يَرْتُونَا»^۲، ما مسلمانان به آن‌ها ارث می‌گذاریم، نه اینکه از آن‌ها ارث ببریم. این حدیث به ما می‌آموزد که مسلمانان نباید تحت تأثیر فرهنگ بیگانه قرارگیرند و آنان را الگوی خود قرار دهند.

پیامدهای بی‌حجابی و بدحجابی

فتنه‌ی آخرالزمان

در روایات، فرهنگ برهنگی و بی‌حجابی را فتنه‌ی آخرالزمان بیان کرده‌اند که اکنون نیز شاهد آن هستیم. امام علی (علیه‌السلام) در ضمن گفتاری از این فتنه یاد کرده‌اند و فرموده‌اند:

«يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَادِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ خَارِجَاتٍ فِي الْفِتَنِ دَاخِلَاتٍ مَا بَلَّاتُ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَّاتِ مُسْتَحِلَّاتُ الْمُحَرَّمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ»^۳، در آخرزمان که بدترین زمان‌هاست، زنان بی‌حجاب و برهنه آشکار شوند که با زینت و آرایش بیرون آیند، آنان از مرز دین خارج شده‌اند و در فتنه‌ها فرو رفته‌اند و به‌سوی شهوات شتاب دارند، حرام خدا را حلال کنند، سرانجام این‌ها در آتش دوزخ و گرفتار عذاب ابدی می‌شوند.

به‌هرحال، فرهنگ برهنگی و بی‌حجابی پیامدهایی دارد که از خطرناک‌ترین پیامدهایش این موارد است:

گسترش دامنه‌ی فحشا

گسترش دامنه‌ی فحشا و افزایش فرزندان نامشروع از دردناک‌ترین پیامدهای بی‌حجابی است. البته، این بدان معنا نیست که عامل اصلی فحشا و فرزندان نامشروع فقط بی‌حجابی است؛ زیرا گسترش فحشا عوامل فراوانی دارد. ولی یکی از عوامل عمده و مؤثر آن مسئله‌ی بی‌حجابی و بدحجابی و

^۱ - مستدرک، ج ۱۷، ص ۱۴۲.

^۲ - وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۱۳.

^۳ - وسائل، ج ۲۰، ص ۳۵ و من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۲۵.

برهنگی است؛ به دلیل اینکه در مرد غریزه‌ی جنسی بسیار زیادی، درمقایسه با زن، وجود دارد که او را به زن به شدت علاقه مند می‌کند. این غریزه اگر به طور صحیح اشباع نشود، موجب انحراف و پیامدهای ناگوار می‌شود. آثار طغیان این غریزه به سرعت در چشم مردان ظاهر می‌شود. اگر مردان آزاد و بی‌بندوبار باشند و هیچ کنترلی در میان نباشد، به چشم‌چرانی می‌پردازند و به دنبال چشم‌چرانی ارتباطات نامشروع و فسادهای دیگر پدیدار می‌شود. از سوی دیگر، زنان هم به خودآرایی و نمایش علاقه دارند و اگر قانون و ضابطای در کار نباشد، به بی‌حجابی رو می‌آورند.

جوامع غربی که بی‌حجابی را در دنیای بشر، با نام آزادی زن و حقوق زن، تبلیغ می‌کنند، گه‌گاه بعضی از دانشمندانشان عواقب خطرناک این روند را اعلام می‌کنند. از این رو، بعضی از دانشمندان انگلیسی، با وجود اینکه برای مذهب و برنامه‌های اخلاقی اهمیتی قائل نیستند، اعتراف می‌کنند که وجود فرزندان نامشروع در جامعه برای دولت و ملت خطری جدی است و تهدیدی برای امنیت جامعه به حساب می‌آید.^۱

اُفت تحصیلی

افت تحصیلی و کم‌کاری یکی دیگر از پیامدهای بی‌حجابی است که دامنگیر برخی جوامع شده است؛ جوامعی که فرهنگ بی‌حجابی و برهنگی در آن‌ها حکم فرماست. مطالعات دانشمندان تربیت نیز نشان داده مدارسی که در آن دختر و پسر با هم درس می‌خوانند و مراکزی که مرد و زن در آن کار می‌کنند و بی‌بندوباری در آمیزش آن‌ها حکم فرماست، کم‌کاری، عقب افتادگی و عدم مسئولیت به خوبی مشاهده شده است.^۲

تردیدی نیست که برای تحصیل علم و کار، به‌ویژه کارهای اداری، تمرکز حواس ضروری است. هر مقدار تمرکز فکری در دانش‌آموزان و کارمندان بیشتر باشد، در انجام وظیفه موفق‌تر خواهند بود. حضور دختران و زنان بی‌حجاب و با آرایش موجب پرت‌شدن افکار پسران و کارمندان می‌شود. از طرف دیگر، مردان و پسران هرزه نیز از این فضا سوءاستفاده می‌کنند؛ در نتیجه هرج و مرج فکری

^۱ - تفسیر نمونه، جلد ۱۴، ص ۴۴۵.

^۲ - همان.

به وجود می‌آید و انجام وظیفه به باد فراموشی سپرده می‌شود. از دیگر پیامدهای بی‌حجابی این موارد است: متزلزل شدن نظام خانواده، بالا رفتن آمار طلاق، فراموش شدن ارزش واقعی زن، کمک به ترویج فرهنگ مبتذل غرب و بی‌هویتی خانم‌های مسلمان.

لباس بدن‌نما

وقتی پوشش چیزی واجب شد، باید ویژگی پوشندگی واقعی را داشته باشد و پوشش نازک و بدن‌نما پوشش حساب نمی‌شود. بنابراین، مواردی را که شارع مقدس پوشاندنش را واجب کرده است باید کاملاً پوشاند. معصومان (علیهم‌السلام) پوشیدن لباس نازک را نهی کرده‌اند و در مذمت آن سخن‌های زیادی گفته‌اند که همگی بر حرمت دلالت دارد. علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيقِ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّ مَنْ رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ»^۱، از لباس ضخیم استفاده کنید؛ کسی که لباسش نازک است، دینش نیز سست و نازک است.

امام صادق (علیه‌السلام) لباس نازک را نه تنها نهی می‌کند، بلکه در شأن زن مسلمان نمی‌داند؛ لذا می‌فرماید: «لَا يَصْلُحُ لِلْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ أَنْ تَلْبَسَ مِنَ الْخُمُرِ وَ الدَّرُوعِ مَا لَا يُوَارِي شَيْئاً»^۲، شایسته‌ی زن مسلمان نیست که روسری و پیراهنی بپوشد که بدن‌نما باشد و چیزی از بدن را نپوشاند.

علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مَنْ أَطَاعَ امْرَأَتَهُ أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ قَيْلَ وَمَا تِلْكَ الطَّاعَةُ قَالَتْ تَدْعُوهُ إِلَى ... وَ لُبْسِ الثِّيَابِ الرَّقَاقِ فَيُجِيبُهَا»^۳، کسی که از زنش اطاعت کند خداوند او را با صورت در جهنم واژگونش می‌کند. سؤال شد در چه چیزی اطاعت کند مستحق چنین عذابی است؟ فرمود: همسرش او را در... و پوشیدن لباس نازک دعوت کند و او هم رضایت دهد.

لباس شهرت

لباس شهرت یعنی پوشیدن لباسی که در شأن کسی نباشد و موجب شهرت و انگشت‌نمادن وی شود. علت این شهرت و انگشت‌نمادن می‌تواند رنگ، نوع یا نحوه‌ی دوخت لباس باشد یا تناسبش با

^۱ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸۳، ب ۲۱، ح ۵.

^۲ - همان، ج ۴، ص ۳۸۸.

^۳ - همان، ج ۲، ص ۴۹.

شخصیت فرد.^۱ اسلام می‌خواهد همه‌ی جامعه روشی معقول و اجتماعی در زندگی داشته باشند و جلوی اعمالی را می‌گیرد که فرد را از هموعان متمایز می‌کند. اسلام می‌خواهد زنان و مردان سنگینی و وجاهت اجتماعی داشته باشند و نوع لباس پوشیدنشان عادی و به دور از هرگونه جلب توجه باشد. به‌همین جهت، اسلام پوشیدن لباس‌هایی را منع کرده است که موجب تمایز فرد در جامعه شود. اسلام پوشیدن چنین لباس‌هایی را ناشی از حقارت و کمبودهای روانی شخص می‌داند.

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «كَفَى بِالْمَرْءِ خِزْيًا أَنْ يَلْبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ أَوْ يَرْكَبَ دَابَّةً تَشْهَرُهُ»^۲، کافی است برای حقارت شخص اینکه لباسی بر تن کند که موجب شهرت او شود و یا چارپایی را سوار شود که او را انگشت‌نما سازد. همچنین، می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُبْغِضُ شُهْرَةَ اللَّبَاسِ»^۳، لباس شهرت مبغوض خداوند است.

البته بعضی علما، مثل شیخ کلینی در کافی و شیخ حر عاملی در وسایل، این روایات را حمل بر کراهت نموده‌اند؛ ولی شدت بیان و سخت‌گیری‌های ائمه (علیهم‌السلام) در این مورد و هشدار ایشان به عذاب بر حرمت دلالت دارد. لذا، حضرت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) لباس شهرت را بنا بر احتیاط واجب حرام می‌داند و مرحوم صاحب عروه صریحاً فتوا به حرمت داده است.^۴،^۵ در روایات معصومان (علیهم‌السلام) صریحاً لباس شهرت مذموم و مبغوض دانسته شده است. به گفته‌ی اصولیین، نهی از چیزی کشف از مبغوضیت آن چیز نزد خداوند می‌کند. روایتی از حسن ابن علی (علیه‌السلام) می‌تواند مؤید حرمت باشد: «مَنْ لَبَسَ ثَوْبَ شُهْرَةٍ كَسَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوْبًا مِنَ النَّارِ»^۶، کسی که لباس شهرت بپوشد روز قیامت خداوند لباسی از آتش به تنش می‌کند. همچنین، نحوه‌ی رفتار امام (علیه‌السلام) با کسی که لباس شهرت بر تن کرده بود دلالت بر حرمت دارد.

^۱ - عروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۶۸، مسئله‌ی ۴۲.

^۲ - همان.

^۳ - الکافی، ج ۶، ص ۴۴۵.

^۴ - تحریرالوسیله، ج ۱، مسئله‌ی ۱۷.

^۵ - عروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۶۸.

^۶ - مستدرک، ج ۳، ص ۲۴۵.

روایت است عبادین کثیر نزد امام صادق (علیه السلام) آمد، در حالی که لباس شهرت بر تن داشت، امام (علیه السلام) فرمود: این چه لباسی است؟ گفت: آیا چنین لباسی برایم عیب است؟ حضرت فرمود: بلی! بعد فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرموده است: «مَنْ لَبَسَ ثِيَابَ شُهْرَةٍ فِي الدُّنْيَا أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثِيَابَ الدُّلِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱، کسی که در دنیا لباس شهرت بپوشد، در آخرت خداوند لباسی از ذلت بر تنش می‌کند. البته، لازم به ذکر است که لباس شهرت در شرایط مختلف زمانی و مکانی و در هر عرف و اجتماعی فرق می‌کند و ملاک تشخیص آن عرف هر جامعه است. در واقع، ملاک لباس شهرت انگشت‌نما شدن است.^۲

۲- عطر نزدن زنان هنگام رفتن به مسجد

یکی از شرایطی که در مورد حضور زنان در مسجد بیان شده است این است که خود را زینت نکنند و از خوشبویی پرهیز کنند؛ زیرا یکی از مصادق زینت است. قبل از بیان این مطلب، مناسب است نظر اسلام را درباره‌ی زینت و تجمل بدانیم.

زینت و تجمل در اسلام

در متون دینی اسلام بایستی وجود دارد به نام زینت و تجمل. زینت و تجمل در اسلام نه تنها منع نشده است، بلکه به آن سفارش شده است. البته، اسلام در مورد زینت، مانند همه‌ی موارد دیگر، حد اعتدال را اتخاذ کرده است. اگر ساختمان روح و جسم انسان را در نظر بگیریم، می‌بینیم تعلیمات اسلام درست با ویژگی‌های روح و جسم بشر هماهنگ است و یکی از ویژگی‌های بشر حس زیبای خواهی است که اسلام نیز آن را نادیده نگرفته است. منتهی اسلام غرق شدن در زیبایی خواهی را، که به صورت تجمل پرستی ظهور می‌کند، نهی کرده است.

^۱ - بحار، ج ۷۶، ص ۳۱۴.

^۲ - حریم عفاف، ص ۱۱۱.

اهمیت زینت در روایات

در روایات، به صورت گسترده و با ذکر مصادیق به زینت توجه شده است. از مجموع این روایات فضیلت و اهمیت زینت در اسلام به خوبی به دست می آید.

۱- امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدِهِ بِنِعْمَةٍ أَحَبَّ أَنْ يَرَاهَا عَلَيْهِ لِأَنَّهُ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ»^۱، وقتی خداوند نعمتی را برای بنده اش می دهد، دوست دارد آثار آن را در بنده اش مشاهده کند برای اینکه خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

۲- از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل شده است که فرموده اند: «لِيَتَزَيَّنَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ كَمَا يَتَزَيَّنُ لِلْغَرِيبِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يَرَاهُ فِي أَحْسَنِ الْهَيْئَةِ»^۲، هر کدام از شما باید برای برادر مؤمن خود زینت کنید؛ همان گونه که برای دیگران زینت می کنید و دوست دارید که شما را به بهترین هیئت ببیند.

۳- از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «النِّسَاءُ يَلْبَسْنَ الْحَرِيرَ وَالدِّيَابِجَ إِلَّا فِي الْإِحْرَامِ»^۳، سزاوار است زن ها لباس ابریشمی و لطیف بپوشند، مگر در احرام.

۴- امیر مؤمنان (علیه السلام) فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ النِّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ»^۴، خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که اثر نعمتی را که به او داده است مشاهده کند.

موارد جالب دیگری نیز در روایات، در مورد چگونگی زیبایی و زینت، وجود دارد که به جزئیات

اشاره کرده است؛ مانند شانه زدن مو^۵، سرمه کشیدن^۶، خوشبویی^۷ و استفاده از انگشتر^۸.

^۱ - کافی، ج ۶، ص ۴۳۸ و وسایل، ج ۵، ص ۵.

^۲ - کافی، ج ۶، ص ۴۴۰.

^۳ - همان، ص ۴۵۴ و وسایل، ج ۴.

^۴ - کافی، ج ۶، ص ۴۳۸.

^۵ - ثواب اعمال.

^۶ - همان.

^۷ - همان.

^۸ - همان.

زینت برای حضور در مسجد

تاکنون، با مواردی که ذکر کردیم، دریافتیم در اسلام زینت و تجمل امری پسندیده است؛ به خصوص استفاده از آن برای وارد شدن به مکان‌های مقدس و انجام دعا و عبادت. در قرآن کریم می‌خوانیم: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۱، همه‌س زینت‌های خود را هنگام رفتن به مسجد بردارید.

سیره‌ی معصومان (علیهم‌السلام)

در وصف امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) آمده است: وقتی به نماز برمی‌خواست بهترین لباس‌های خود را می‌پوشید. علت را پرسیدند و آن حضرت فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، فَاتَّجَمَّلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ، فَأَحَبَّ أَنْ أَلْبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِي»^۲، خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد. من برای خدایم خود را آراسته می‌کنم؛ چون او می‌گوید: زینت خود را نزد هر مسجدی برگزید و من دوست دارم که بهترین لباسم را بیوشم. همچنین، نقل شده است که امام سجاد (علیه‌السلام) در شبی سرد با لباس‌های زیبا و مرتب و معطر بیرون رفتند؛ وقتی از وی سؤال کردند که با این هیئت در چنین شب سردی کجا عازم هستید حضرت فرمود: «الی مسجد جدی رسول الله...»^۳، به سوی مسجد جدم رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اراده نمودم. فقها با استفاده از روایات و سیره‌ی معصومان (علیهم‌السلام) استعمال بوی خوش و پوشیدن لباس تمیز و زیبا را، هنگام رفتن به مسجد، مستحب می‌دانند. اما در مورد زنان همین امر مستحب نهی شده است.

احادیث منع عطرزدن زنان هنگام رفتن به مسجد

یکی از شرایطی که در روایات به آن اشاره شده است، حضور زنان در مسجد بدون استفاده از عطر و خوشبو بودن است. چنانچه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «إِذَا شَهِدْتُ إِحْدَاكِنَّ الْعِشَاءِ فَلَا تَمَسَّنَّ طِيبًا»^۴، زن‌ها وقتی در مسجد حضور پیدا کردند از بوی خوش استفاده نکنند. همچنین، در روایتی دیگر

^۱ - سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۱

^۲ - مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۱۲.

^۳ - وسایل، ج ۲، ص ۵۰۳.

^۴ - المجموع، ج ۴، محی‌الدین النووی، ص ۱۹۹ و صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

دیگر گفته‌اند: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ لِغَيْرِ زَوْجِهَا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا صَلَاةٌ حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طِبِيهَا»^۱، هرگاه زنی خود را خوشبو کند، سپس به سوی مسجد برود، نمازش قبول نمی‌شود، تا آنکه آن بوی خوش را از خود برطرف کند. در روایت دیگری از آن حضرت می‌خوانیم: «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ، وَ لِيُخْرُجْنَ إِذَا خَرَجْنَ تَفْلَاتٍ»^۲، زنان را از مسجد منع نکنید و زنان هم نباید با خوشبویی از خانه خارج شوند و به مسجد روند. امام علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند: وقتی زنان با بوی خوش و زینت‌کرده بیرون می‌روند، خدا را معصیت می‌کنند؛ زیرا برخلاف دستورات خداوند عمل کرده‌اند؛ در این صورت جایز نیست که اجازه داده شود.^۳

همان‌گونه‌که دیده می‌شود اجازه‌ی بیرون رفتن زن به استفاده‌نکردنش از بوی خوش منوط شده است (اگر زنان هنگام خروج از منزل یا حضور در مسجد بوی خوش را ترک نکنند، بر مردان جایز نیست که اجازه دهند). این خود اهمیت و دقت اسلام را در مسئله‌ی حجاب و عفاف نشان می‌دهد.

دلیل منع عطرزدن زنان هنگام حضور در مسجد

دلیل منع عطرزدن زنان در مسجد این است که دین مقدس اسلام به عفت و پاکیزستی بسیار اهمیت می‌دهد و به‌هیچ‌وجه از بی‌عفتی و بدحجابی چشم‌پوشی نمی‌کند؛ زیرا مقدمه‌ی آلوده‌شدن، ارتکاب اعمال حرام و فرورفتن در محرمات جنسی است. برای پیشگیری از این پیامدهای ناسالم، اسلام دستور می‌دهد زنان بدون زینت و خوشبویی به مسجد بروند. از طرف دیگر، ممکن است عطرزدن و تزئین زنان برای رفتن به مسجد باعث شود در مسیر مورد آزار و اذیت جوانان هرزه و بی‌بندوبار قرار گیرند. بنابراین، ضرورت ایجاب می‌کند حضور زنان خداجو برای عبادات در مسجد بدون زینت و خوشبویی باشد؛ زیرا این کار به تقوی و پاکیزستی نزدیک‌تر است. در روایتی از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) چنین می‌خوانیم: زنان را با ساده‌پوشی عادت و یاری دهید؛ زیرا اگر یکی از آنان با لباس تجملی و زیورهای نیکو بیرون رود، در نظر بینندگان خوش آید (باعث هیجان شهوت و فتنه می‌شود).^۴

^۱ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶، ح ۴۰۰۲.

^۲ - المحلی، ابن حزم، ج ۴، ص ۱۹۸.

^۳ - همان.

^۴ - شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۶۹؛ نهج الفصاحة / ۲۰۹ /

۳- حضور زن در مسجد با اجازه‌ی شوهر

از دیگر شرط‌های حضور زن در مسجد اجازه‌ی شوهر است. در این راستا، روایات به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته‌ی اول عام است و خروج زن را از منزل بدون اجازه‌ی شوهر مطلقاً منع می‌کند و دسته‌ی دیگر در خصوص حضور زن در مسجد سخن می‌گوید.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَّيَّبَتْ وَ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلَعَنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ»^۱، هر زنی که خود را خوشبو کند و از منزل خارج شود، مورد لعنت قرار می‌گیرد تا اینکه به خانه‌اش برگردد. همچنین فرموده‌اند: «لَيْسَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ فِي الْخُرُوجِ إِلَّا مُضْطَّرَّةً فَإِذَا خَرَجَتْ بِهٖ غَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا أَوْ وَلِيِّهَا فَقَدْ أَثْمَتَ وَأُتْرَالُ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى تَرْجِعَ»^۲، زن حق ندارد از خانه بیرون رود مگر ناچار شود. هرگاه بدون اجازه‌ی شوهر یا سرپرستش خارج شود، گناهکار است و پیوسته خشم خداوند بر اوست تا برگردد.

به همین مضمون، روایات زیادی در کتب روایی از پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده است. علمای اسلام از این روایات حکم وجوب اجازه‌ی شوهر را در مورد بیرون رفتن زن از منزل نتیجه گرفته‌اند. امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، در تحریر الوسیله، خارج شدن زن را از منزل بدون اجازه موجب نشوز زن دانسته‌اند. این نظر مشهور فقهاست و کسی هم مخالفتی ندارد.

از آنجاکه زن برای رفتن به مسجد باید ابتدا از خانه خارج شود، برای رفتن به مسجد به اجازه‌ی شوهر نیاز دارد. علاوه بر این، روایاتی که عبادات مستحبی منوط به اجازه شوهر می‌داند نیز مانع از خروج زن برای رفتن به مسجد می‌شود؛ زیرا حضور زن در مسجد از جمله‌ی مستحبات است؛ بنابراین باید با موافقت شوهر باشد. البته، مردان هم اخلاقاً موظف‌اند برای رفتن به مسجد به زنان اجازه دهند. چنانچه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «لَا تَمْنَعُوا أُمَّاءَ اللَّهِ عَنِ مَسَاجِدِ اللَّهِ»^۳، کنیزان خدا را از مساجد

^۱ - وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۱.

^۲ - حجاب در اسلام، ص ۲۰۱، به نقل از مرآت النساء، ص ۱۱۸.

^۳ - المحلی، ج ۴، ص ۱۹۸.

خدا منع نکنید. همچنین فرموده‌اند: «إِذَا اسْتَأْذَنْتُ أَحَدَكُمْ أَمْرًا تَهُ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَا يَمْنَعُهَا»^۱، زمانی اگر همسر هر کدام شما اجازه‌ی مسجد خواست مانع نشوید.

دلیل منع خروج زن از منزل بدون اجازه‌ی شوهر

الف: مسئولیت سرپرستی

زندگی مشترک باید ضوابط و قواعدی داشته باشد تا زن و شوهر با اطمینان خاطر کنار هم زندگی باصفایی داشته باشند؛ در نتیجه باید فردی سرپرستی و مسئولیت اداره‌ی زندگی را عهده‌دار شود و تصمیم‌گیر نهایی معلوم شود. اسلام چنین مسئولیتی را، با توجه به توانایی‌های مرد، به دوش مردان گذاشته است و می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»^۲، مردان سرپرست زنان‌اند. به همین دلیل، دستور می‌دهد خروج زن از منزل و انجام مشغولیت‌های زن در بیرون از منزل باید با اجازه‌ی (موافقت) شوهر باشد؛ حتی اگر آن کار انجام عملی عبادی باشد، مثل حضور در مسجد برای نماز. البته اخلاقاً هیچ مانعی ندارد که زن و شوهر در مسائل کلی یکدیگر را باخبر کنند و با موافقت و اجازه‌ی همدیگر پیش بروند.

ب: مصلحت خانوادگی

اسلام پیوند زن و شوهری را پیوندی واقعی می‌داند و آنقدر به این پیوند و مصالح آن اهمیت می‌دهد که کوچک‌ترین امری را که برخلاف مصلحت آن باشد و بی‌توجهی به آن باعث بی‌اعتمادی و دلسردی زن و شوهر گردد منع می‌کند. بر همین اساس، برای حفظ مصلحت خانواده دستور می‌دهد رفت‌وآمدهای زن در بیرون از منزل با جلب رضایت شوهر باشد. از طرف دیگر، شوهر هم موظف است در همین محدوده تصمیم بگیرد و سختگیری‌های بی‌مورد را کنار بگذارد.

شهید مطهری (رحمة الله علیه) در مورد بیرون رفتن زن از منزل می‌فرماید:

^۱ - مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۶ و سنن نسایی، ج ۲، ص ۴۲.

^۲ - سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۴.

دو مسئله وجود دارد؛ یکی اینکه زن باید پوشیده باشد و بیرون رفتن به صورت خودنمایی و تحریک آمیز نباشد و دیگر اینکه مصلحت خانوادگی ایجاب می‌کند که خارج شدن زن از منزل با جلب رضایت شوهر و با مصلحت‌اندیشی او باشد... گاهی ممکن است رفتن زن به خانه‌ی اقوام و فامیل خودش هم مصلحت نباشد. فرض کنیم زن می‌خواهد به خانه‌ی خواهر برود و فی‌المثل خواهرش مفسد و فتنه‌انگیز است که زن را علیه مصالح خانوادگی‌اش تحریک می‌کند. تجربه هم نشان می‌دهد که این‌گونه قضایا کم‌نظیر نیست... در چنین مواردی شوهر حق دارد که از این معاشرت‌های زیانبخش که زیانش نه تنها متوجه مرد است، متوجه خود زن و فرزندان نیز می‌باشد جلوگیری کند.^۱

مسئله‌ی تزاحم

گاه موقعیتی پیش می‌آید که شخص نمی‌تواند به دو وظیفه با هم عمل کند و ناچار است یکی را فدای دیگری کند. در این موارد، که از آن با نام «تزاحم» یاد می‌شود، عقل حکم می‌کند که باید مهم را فدای اهم کرد؛ یعنی وظیفه‌ای را باید انجام داد که اهمیت بیشتری دارد و دیگری را باید ترک کرد. اگر این مسئله در حیطه‌ی وظایف فردی باشد، تشخیص این امر به عهده‌ی خود شخص است؛ ولی اگر وظایف مربوط به شئون مجموعه یا جامعه‌ای باشد، وظیفه‌ی تمیز بر عهده‌ی رئیس آن مجموعه است. ازین‌رو، تشخیص چنین امری در جامعه‌ی اسلامی بر عهده‌ی ولی فقیه است. این امور در خانواده بر عهده‌ی رئیس خانواده است. اوست که تشخیص می‌دهد آیا کار همسرش در بیرون خانه با وظایف خانوادگی او و مصالح زندگی مشترک در تضاد است یا خیر؟ او می‌تواند به دلیل تزاحم، همسرش را از شغل و هر نوع خروج از منزل منع کند. البته، مسئله‌ی تزاحم در جایی مطرح است که دو طرف تزاحم وظیفه باشد؛ اگر چه از باب واجب کفایی یا وظایف اجتماعی باشد. در غیر این صورت، یعنی اگر شغل وظیفه نباشد و با وظایف خانوادگی در تعارض باشد، جایز نیست زن به آن شغل پردازد.^۲

^۱ - مسئله‌ی حجاب، ص ۱۰۳.

^۲ - مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۶۶، شهریور ۱۳۷۶، ص ۲۶-۲۷.

در روایتی به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آمده است: «أَنَّ امْرَأَةً سَأَلَتْهُ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَيَّ الزَّوْجَةَ قَالَ لَا تَتَّصِدُقُ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَمْنَعُهُ نَفْسَهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَيَّ ظَهْرٍ قَتَبٍ وَلَا تَصُومُ يَوْمًا تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ». زنی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) سؤال کرد حق شوهر بر همسرش چیست؟ آن حضرت فرمود: اینکه زن از شوهرش اطاعت کند و نافرمانی نکند و از خانه بدون اجازه بیرون نرود، بدون اجازه‌ی او صدقه ندهد و بدون اذن او روزه‌ی مستحبی نگیرد.^۱

محجوریت مرد

اگر به دلیلی مرد از سرپرستی خانواده محجوریت پیدا کرد (به واسطه‌ی جنون، اعتیاد مزمن، مریضی و ناتوانی جسمی و ...) و صلاحیت سرپرستی و اداره‌ی زندگی خانوادگی را از دست داد، زن می‌تواند با مراجعه به مراجع قانونی و تقاضای اعطای سرپرستی این وظیفه را بر عهده بگیرد. در این صورت، قانون اختیاراتی را به او واگذار خواهد کرد که در جامعه‌ی اسلامی ولایت فقیه مبنای فقهی چنین امری است.^۲

۴- پرهیز از رفت و آمد تنها

گام‌هایی که مسلمان هنگام رفتن به مسجد برمی‌دارد نزد خداوند بسیار گرامی است. برای اینکه این ارزش را به ضدازش تبدیل نکنیم، بهتر است اگر موقعیت اجتماعی اقتضا می‌کند زنان و دختران سعی کنند با دوستان، خواهران، برادران، پدر، مادر یا شوهرشان به مسجد بروند تا ثوابی که برای این رفت و آمد در نظر گرفته شده است شامل حالشان شود.

در سخنی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَضَعْ رِجْلَيْهِ عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابَسٍ إِلَّا يُسَبِّحُ لَهُ إِلَى الْأَرْضَيْنِ السَّابِعَةِ»^۳، کسی که به سوی مسجد حرکت کند، گام بر تروخشک

^۱ - مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۷.

^۲ - مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۶۶، شهریور ۱۳۷۶.

^۳ - الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۳.

نمی‌گذارد، مگر اینکه زمین تا طبقات هفت‌گانه‌اش برای او تسبیح می‌گویند. تردیدی نیست حفظ ارزش و ثواب این گام‌ها در گرو حفظ شئون اسلامی و ارزش‌های متعالی است.

۵- عدم اختلاط

یکی از شرایط حضور زنان در مسجد رعایت حریم بین زن و مرد است. زنان مسلمان مجازند در مسجد حضور یابند، به شرط اینکه این کار به اختلاط زن و مرد منجر نشود. البته، مسئله‌ی اختلاط مرد و زن به حضور زنان در مسجد اختصاص ندارد و در مورد غیرمسجد هم این مسئله نهی شده است. در متون روایی فریقین این روایات به دو دسته تقسیم می‌شود: یک دسته به صورت مطلق اختلاط زن و مرد را منع کرده است و دسته‌ی دیگر از اختلاط در مسجد سخن گفته است.

الف: روایات مطلق

نقل شده است که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند:

۱- «بَاعِدُوا بَيْنَ أَنْفَاسِ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَتِ الْمُعَايَنَةُ وَ اللَّقَاءُ كَانَ الدَّاءُ الَّذِي لَا دَوَاءَ لَهُ إِلَّا بِأَكْمٍ وَ الدُّخُولَ عَلَى النِّسَاءِ»،^۱ بین زنان و مردان فاصله قرار دهید؛ زیرا بر اثر ملاقات و به هم آمیختگی دردی به هم رسد که دوا ندارد. بر شما باد که از آمیزش و اختلاط با زنان اجتناب کنید.

۲- «إِيَّاكَ وَ الْخُلُوةَ بِالنِّسَاءِ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا خَلَا رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ إِلَّا دَخَلَ الشَّيْطَانُ بَيْنَهُمَا وَ لَئِنْ يَزْحَمُ رَجُلٌ خِنْزِيرًا مُتَلَطِّخًا بِطِينٍ وَ حَمَاءَ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَزْحَمَ مِنْكَبُهُ امْرَأَةٌ لَا تَحِلُّ لَهُ»،^۲ از خلوت کردن با هر زن بیگانه بپرهیزید؛ به خدا سوگند مردی با زنی نامحرم خلوت نکند، جز آنکه شیطان بین آنها وارد شود و سرانجام آن دو را گمراه سازد اگر خوکی آلوده به کثافت و لجن مال به انسان زحمت رساند بهتر است از اینکه شانه‌ی زن بیگانه با مردی تماس پیدا کند.

۳- «إِيَّاكُمْ وَ مُحَادَثَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّهُ لَا يَخْلُو رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ لَيْسَ لَهَا مُحْرَمٌ إِلَّا هَمَّ بِهَا»،^۳ از ملاقات با زنان نامحرم دوری کنید؛ زیرا خلوت نکند مردی با زنی نامحرم مگر اینکه قصد او کند.

^۱ - حجاب در اسلام، ص ۱۹۸، به نقل از مرآت النساء، ص ۱۴۰.

^۲ - همان، مرآت، ص ۱۱۷.

^۳ - همان.

باتوجه به این آیات، علما و بزرگان مراجع تقلید کراهت اختلاط زن و مرد را نتیجه گرفته‌اند. البته روشن است حکم به کراهت در صورتی است که خوف فتنه و فساد (در اصطلاح فقها خوف «ریبه») وجود نداشته باشد و اگر چنین خوفی وجود داشته باشد شکی نیست که حرام است که در مورد جوانان نیز چنین خوفی وجود دارد. به همین دلیل، وقتی از امام خمینی (رحمة الله علیه) در مورد شرکت بانوان در ارگان‌های دولتی، جهاد سازندگی و ادامه‌ی تحصیل در دانشگاه سؤال کردند، ایشان فرمودند: با رعایت وظایف شرعی در امور متذکره مانع ندارد؛ ولی از اختلاط و تماس زن با نامحرم اجتناب شود. همچنین، در مورد تحصیل دختران گفتند: ادامه‌ی تحصیل در رشته‌های حلال اشکال ندارد؛ ولیکن تستر و خودداری از اختلاط لازم است و اگر ادامه‌ی تحصیل مستلزم اختلاط با نامحرم باشد و مفسد دینی و اخلاقی در بر داشته باشد، ترک کند.^۱

ب: روایات مقید به مسجد

گذشته از روایات عام، روایات منع اختلاط بانوان با مردان در مسجد نیز در کتب روایی اهل سنت نقل شده است. از جمله، روایت است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در بیرون مسجد بودند، دیدند مردان و زنان با هم از مسجد بیرون می‌آیند؛ پس به زنان رو کردند و فرمودند: «بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند بعد شما»^۲. همچنین، آن حضرت روزی به دری از درهای مسجد رو کردند و فرمودند: خوب است این در را برای بانوان اختصاص دهید.^۳

پیامدهای زیانبار اختلاط زن و مرد

پیامد اختلاط زن و مرد مربوط می‌شود به همان کشش جنسی‌ای که بین دو جنس مخالف وجود دارد. کسی نمی‌تواند ادعا کند که در برابر هوا و هوس خودش که او را به صوی گناه دعوت می‌کند برتری دارد و خطر آلوده شدن در او منتفی است. به گفته‌ی قرآن، حضرت یوسف (علیه السلام) از این وادی پر خطر به خدا پناه برد و گفت: «وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ

^۱ - حجاب بیانگر شخصیت زن، ص ۹۸، به نقل از احکام بانوان، ص ۲۴.

^۲ - سنن ابی داود، ج ۲، ص ۵۳۳، حدیث ۵۲۷۲.

^۳ - همان، ج ۱، ص ۱۳۷، حدیث ۵۷۱.

رَحِيمٌ»^۱، و من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم؛ زیرا نفس قطعاً به بدی امر می‌کند، مگر کسی را که خدا رحم کند؛ زیرا پروردگار من آمرزنده مهربان است. به‌ویژه این اتفاق زمانی می‌افتد که زنان با زیستی خاص و با مد و لباسی آنچنانی ظاهر می‌شوند؛ مانند بسیاری از عروسی‌ها و سفارش‌های اسلام نیز در این راستا مورد بی‌مهری قرار گرفته است. شکی نیست که به گفته‌ی شهید مطهری: «این گونه همدوشی‌ها به هم آغوشی‌ها منتهی می‌گردد»^۲.

در این مورد، گفتار آنان که سخن معروف «الانسان حریص علی مامنع» را سر می‌دهند سخت اشتباه است. گویا آنان با روحیه‌ی انسان‌ها آشنایی ندارند و از آمار تکان‌دهنده‌ی فساد در جوامعی که حدی برای معاشرت و اختلاط زن و مرد نمی‌شناسند اطلاعی ندارند. برای نمونه، بد نیست بدانید از هر ده زن آمریکایی، چهار نفر در محیط کار هدف باج‌خواهی و تهدید جنسی همکارانشان قرار می‌گیرند. به گزارش رادیوی دولتی انگلیس، روزنامه‌ی اخبار جهان، «۵۰ درصد زنان به شکلی مورد آزار و اذیت قرار گرفته یا همکاران مرد آن‌ها برایشان مزاحمت ایجاد کرده‌اند»^۳. این آمار نشان می‌دهد که هر چه معاشرت بیشتر و آزادتر باشد، خوی وحشیگری بیشتر می‌شود. به عقیده‌ی شهید مطهری: «آزادی در مسائل جنسی سبب شعله‌ور شدن شهوت‌ها به صورت حرص و آرزوی می‌شود که نمونه‌اش به گواهی تاریخ رفتار صاحبان حرمسرای‌های رومی، ایرانی و اعراب است»^۴. در نتیجه، برای اینکه فرد و جامعه از چنین خطری در امان بمانند، اسلام به اجتناب از اختلاط زن و مرد سفارش می‌کند. اسلام برای پیشگیری از آسیب، در مواردی که اجازه می‌دهد زنان همدوش مردان در امور اجتماعی سهیم باشند، راه‌هایی را پیشنهاد می‌کند:

- ۱- برای احتیاط، از اختلاط در موارد غیر ضروری پرهیز شود؛
- ۲- زنان در مجامع عمومی با حجاب کامل وارد شوند؛
- ۳- از سخنان تحریک‌آمیز جلوگیری شود؛
- ۴- زن و مرد در نگاه‌هایشان کاملاً مراقب باشند (غضّ نظر داشته باشند)؛

^۱ - سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۵۳.

^۲ - مسئله‌ی حجاب، ص ۲۳۷.

^۳ - معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، ص ۱۸-۱۹.

^۴ - مسئله‌ی حجاب.

۵- چون هیچ ضرورتی برای اختلاط زن و مرد در مسجد وجود ندارد از آن پرهیز شود؛
۶- اسلام جوانان را به ازدواج آسان و بی‌دغدغه‌ی تجمل‌گرایی دعوت می‌کند؛ زیرا خطر
بیشتری متوجه آنهاست.

از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل است که در مورد ازدواج جوانان فرمودند: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ»،
کسی که ازدواج می‌کند نصف دینش را حفظ نموده است. در روایتی دیگر از ایشان می‌خوانیم: «مَنْ
أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْقَاهُ بِزَوْجَتِهِ»^۱، اگر کسی می‌خواهد خداوند پاک و پاکیزه را
ملاقات کند، پس باید با همسرش ملاقات کند.

۶- توقف و وقت‌گذرانی نکردن بین خانه و مسجد

از جمله شرایط رفت‌وآمد زنان به مسجد توقف نکردن بین راه مسجد و خانه است. توقف‌های بیجا
در کوچه‌ها و خیابان‌ها برای زنان و دختران زشت است. ائمه‌ی معصوم (علیهم‌السلام) توقف بیهوده در مسجد
را مذموم شمرده‌اند تا چه رسد به اینکه بین راه توقف بیهوده شود. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله)
خطاب به ابوذر می‌فرماید: «يَا أَبَا ذَرٍّ! كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعْوٌ إِلَّا ثَلَاثَةٌ قِرَاءَةُ مُصَلٍّ أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ أَوْ
سَائِلٌ عَنِ عِلْمٍ»^۲، هر جلوسی در مسجد لعو و بیهوده است مگر اینکه برای سه کار باشد: خواندن قرآن،
ذکر خدا و کسب دانش. بنابراین، توقف بیهوده در مسجد و خارج از آن از دیدگاه روایات اهل
بیت (علیهم‌السلام) مذموم است. در روایات اهل سنت نیز، در صحیح بخاری، از عایشه چنین نقل شده است:
«أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُغَلِّسُ بِهَا حَتَّىٰ إِنَّهُ كَانَ إِذَا فَرَغَ مِنْهَا أَنْصَرَفَ النِّسَاءُ وَهُنَّ لَا يُعْرِفْنَ
مِنَ الْغَلْسِ»^۳، وقتی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نماز صبح را خواند بانوان [بلافاصله] پراکنده شدند
درحالی‌که به دلیل تاریکی اول صبح یکی از دیگری شناخته نمی‌شدند.

^۱ - وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷.

^۲ - همان، ص ۱۸.

^۳ - مستدرک، ج ۳، ص ۳۷۱، باب کراهت انشاء الشعر فی المسجد.

^۴ - صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۱.

۷- پرهیز از سخنان بلند و بیهوده در مسجد

یکی از نکاتی که زنان باید هنگام حضور در مسجد رعایت کنند، پرهیز از سخنان بیهوده و صدای بلند است. بانوان مسلمان و خداجو که برای عبادت به مسجد می‌روند باید دو مسئله را رعایت کنند. نخست، قداست و احترام مسجد را رعایت کنند و دیگری از سخنان بلند و بیهوده پرهیز کنند. به‌طور کلی در روایات، با صدای بلند و بیهوده سخن گفتن در مسجد نفی شده است. در این مورد، هیچ فرقی بین زن و مرد وجود ندارد. به فرموده‌ی قرآن این کار از مصادق لغو است و پرهیز از آن یکی از صفات شایسته‌ی مؤمنان است. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) درباره‌ی پرهیز از بلندکردن صدا در مسجد فرموده‌اند: «إِذَا فَعَلْتَ أُمَّتِي خَمْسَ عَشْرَةَ خَصْلَةً حَلَّ بِهَا الْبَلَاءُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هُنَّ قَالَ... وَارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ^۱»، هنگامی که پانزده خصلت در میان امت من رایج شود بلا بر آنان نازل خواهد شد... از جمله‌ی آن‌ها این است که صداها را در مسجد بلند کنند.

حضرت علی (علیه‌السلام) ضمن حدیثی در این باره فرمودند: «يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَاسٌ يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ فَيَقْعُدُونَ فِيهَا حَلَقًا ذَكَرُهُمُ الدُّنْيَا وَحُبُّ الدُّنْيَا لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ فِيهِمْ حَاجَةٌ^۲»، در آخر زمان زمانی فرا می‌رسد که مردم به مسجد می‌آیند و گردهم می‌نشینند و یگانه همشان دنیا است و سخن گفتن در آن خصوص. با این‌ها ننشینید که خداوند آنان را به حال خودشان رها کرده است. مقام و عظمت مسجد در اسلام به اندازه‌ای است که سخنانی غیر از ذکر و یاد خدا در آن شایسته نیست. پرداختن به امور دنیا در مکانی که مخصوص عبادت است، علاوه بر اینکه خلاف شأن بندگان نمازگزار است، اگر موجب بی‌حرمتی به مسجد شود، حرام و از گناهان کبیره نیز است.

احکام صدای زن نامحرم

در مورد زنان، علاوه بر اینکه صدای بلند در مسجد نهی شده است، رساندن صدا به گوش مردان نامحرم نیز نهی شده است. از این رو، بر شدت منع و لزوم رعایت این شرط افزوده شده است و احادیث زیادی در این مورد نقل شده است. در روایتی از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) چنین نقل شده است: «وَنَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ

^۱ - مستدرک، ج ۳، ص ۳۸۲.

^۲ - وسایل، ج ۵، ص ۲۱۴ و بحار، ج ۸۰، ص ۳۶۸.

الْمَرَأَةُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا وَغَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ^۱، حضرت منع کرد از صحبت کردن زنان با مردان نامحرم بیش از پنج کلمه‌ای که ناچار است زن از گفتن آن.

همچنین، امام کاظم (علیه السلام) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلَا يَلْبَثُ فِي مَوْضِعٍ تَسْمَعُ نَفْسَهُ امْرَأَةً لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ^۲، کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد در خانه‌ای که نفس زن نامحرم به گوشش می‌رسد نباید بخوابد.

حال اگر خانم‌ها در مسجد صدایشان را بلند کنند و به گوش مردان نامحرم برسانند، بدون اینکه ضرورتی در کار باشد، - به‌ویژه اگر با سبکی خاص سخن بگویند که به نظر مردان تحریک‌آمیز باشد - مسجدی که محل عبادت و کسب ثواب است به گناه آلوده می‌شود. خداوند به زنان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا^۳، ای همسران پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید، اگر سرِ پروا دارید؛ پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید. خداوند در این آیه وقار و عفاف در کیفیت سخن گفتن را به زنان دستور می‌دهد. گرچه این کار به‌ظاهر بسیار ساده به‌چشم می‌آید؛ ولی درواقع می‌تواند سرچشمه‌ی لغزش‌های فراوانی شود.

حکم فقهی مسئله

به‌نظر همه‌ی فقها، اگر زن صدایش را نازک کند و با کیفیتی صحبت کند که برای مرد نامحرم تحریک‌آمیز باشد، هم برای زن چنین صحبتی حرام است و هم برای مرد گوش‌دادن آن. لذا، صاحب عروة می‌گوید: «و یحرم علیها إسماع الصوت الذی فیه تهییج للسامع بتحسینه و ترقیقه^۴». اما درمورد قرائت نماز فتوای علما متفاوت است.

^۱ - بحار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۳.

^۲ - بحار، ج ۱۰۱، ص ۵۰.

^۳ - سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۲.

^۴ - عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰۴.

امام (رحمة الله عليه) می فرماید: «بنابر احتیاط واجب اگر صدای زن را مرد نامحرم بشنود، قرائت نماز صبح و مغرب و عشاء را آهسته بخواند».^۱

مقام معظم رهبری می فرماید: «اگر نامحرم صدایش را می شنود بهتر است آهسته بخواند».^۲
مکارم شیرازی می فرماید: «اگر نامحرم صدایش را می شنود مستحب است آهسته بخواند».^۳
بنابراین، خانم‌ها موظف‌اند در مورد قرائت نمازشان به مراجع تقلیدشان مراجعه کنند.

وظیفه‌ی امام جماعت در رعایت حال زنان و مادران نمازگزار

امام جماعت وظایفی دارد که شایسته است برای رونق بیشتر مسجد، باشکوه شدن نماز جماعت، جلب و جذب مؤمنان و عمران و آبادانی مسجد به آن‌ها توجه کند. از جمله وظایفی که در روایات بر آن تأکید شده است این است که امام جماعت در خواندن نماز حال ضعیف‌ترین افراد را در نظر بگیرد. در روایتی امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «يُنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يَكُونَ صَلَاتُهُ عَلَى صَلَاةِ أضعفٍ مَنْ خَلْفَهُ»^۴، شایسته است که نماز امام جماعت مثل نماز ضعیف‌ترین افرادی باشد که به او اقتدا نموده است.

باید در مورد خانم‌ها به این امر بیشتر دقت کرد، به ویژه در مورد خانم‌های باردار و خانم‌هایی که بچه شیر می دهند. لذا، باید از رکوع و سجده‌های طولانی که برای این افراد سنگین است خودداری شود. در روایتی آمده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دو رکعت آخر نماز چهار رکعتی را با تخفیف انجام داد، به گونه‌ای که اعجاب حاضران را برانگیخت، گفتند: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله)؛ مگر چیزی پیش آمد که رکعت‌های آخر نماز را سبک انجام دادید؟ حضرت فرمود: «أَمَا سَمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِيِّ»^۵، آیا صدای گریه‌ی طفل به گوش‌تان نرسید. در بعضی احادیث آن حضرت حکمت این عمل را هم بیان کرده‌اند: «حَشِييتُ أَنْ يَشْتَعِلَ بِهِ حَاطِرُ أَبِيهِ»^۶، ترسیدم از اینکه ذهن پدر طفل متوجه فرزندش شود یا پدرش نگران شود.

^۱ - توضیح المسائل، مسئله‌ی ۹۹۲.

^۲ - رساله‌ی أجوبة الاستفتاءات، ص ۹۶.

^۳ - توضیح المسائل.

^۴ - الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۰.

^۵ - کافی، ج ۶، ص ۴۸.

^۶ - بحار، ج ۸۵، ص ۹۳.

امام صادق (علیه السلام) در ضمن حدیثی فرموده‌اند: «کان رسول الله (صلی الله علیه وآله) یسمع صوت الصبی و هو یبکی و هو فی الصلوة فیخفف الصلوة ان تعبر امه»، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) صدای طفلی را شنید که گریه میکند، وی نمازش را سبک انجام داد تا مادرش به سراغش رود.

با استفاده از این روایات، علما و فقها فرموده‌اند بر امام جماعت مستحب است در ادای نماز رعایت حال نمازگزاران را بکند. البته، در مورد سبک انجام دادن نماز آنچه باید مورد دقت قرار گیرد دو مطلب است: نخست اینکه به کیفیت عبادت لطمه وارد نشود و دیگر اینکه مظنه‌ی سبک شمردن نماز به وجود نیاید.

فصل دوم

آثار و برکات حضور زنان در مسجد

در روایات، رفتن به مسجد سفارش شده است. ثواب نماز در مسجد چند برابر ثواب نماز در خانه است. اما در روایات آمده است که نماز زن در خانه بهتر از مسجد است؛ البته در موقعیتی که زن نتواند خودش را کاملاً از دید نامحرم حفظ کند و شرایط حضور در مسجد را رعایت کند. دلیل این منع قرارنگرفتن زنان در معرض دید نامحرم است. بنابراین، اگر زنان شرایط حضور در مسجد را کاملاً رعایت کنند، نمازشان در مسجد بهتر از خانه خواهد بود. چنانچه حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) در ضمن فتاوايشان می‌گویند: «برای زن‌ها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوق خانه و اطاق عقب بهتر است؛ ولی اگر بتواند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند».^۱

حضور در مسجد آثار و برکات بسیاری دارد و بندگان شایسته‌ای که توفیق حضور در مسجد را می‌یابند، از این برکات و آثار بهره‌مند می‌شوند. از این نظر، فرقی بین زن و مرد وجود ندارد؛ همان‌گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»^۲، این بیان خطاب به انسانیت است که سرانجام انسان به لقاء الله می‌رسد.^۳

^۱ - وسایل، ج ۸، ص ۴۲۱.

^۲ - توضیح المسائل، مسأله‌ی ۸۹۴.

^۳ - سوره‌ی انشقاق، آیه‌ی ۶.

^۴ - مسجدبه، روایت مطبوعات، ج ۴، ص ۷۰.

۱- آثار عبادی

قرآن کریم یکی از اهداف اصلی و اساسی برپایی مساجد را عبادت و پرستش خداوند دانسته و فرموده‌اند: «وَ أَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۱، مساجد محل عبادت خدای تعالی است با خداوند کس دیگری را نخوانید. همچنین: «رَبِّي بِالْقِسْطِ وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ»^۲، و توجهتان را در هر مسجد به سوی او نمایید و او را بخوانید و دین خود را برای او خالص گردانید (و بدانید) همان‌گونه‌که در آغاز شما را آفرید [بار دیگر در رستاخیز] باز می‌گردید.

در روایات اسلامی این معنا دامنه‌ی گسترده‌تری دارد و معصومان (علیهم‌السلام) جنبه‌های عبادی مسجد را با تعبیرات زیبا و پرمعنا وصف کرده‌اند. در این میان، از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده است که فرموده‌اند: «كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعْوٌ إِلَّا ثَلَاثَةً قِرَاءَةٌ مُصَلٍّ أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ أَوْ سَأَلٌ عَنْ عِلْمٍ»^۳، هر نشستنی در مسجد بیهوده است مگر سه نشستن: برای خواندن نماز، ذکر خدا و سؤال نمودن از علم. به گفته‌ی روایات، عبادت در مسجد با عبادت در غیرمسجد، از نظر آثار و برکات، برابری نمی‌کند. به گفته‌ی روایات، ثواب نمازخواندن در مسجد حتی فرادا بیش از نمازی است که در بیرون مسجد خوانده می‌شود.^۴ البته، عبادت دسته‌جمعی آثار و برکاتی دارد که عبادت فردی به پای آن نمی‌رسد. در این باره، فرقی بین زن و مرد نیست و زنان نیز با حفظ شرایط از این برکات بهره می‌برند.

۲- آثار علمی

کارایی مسجد در فرهنگ اسلام فقط در جنبه‌ی عبادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه یکی از مهمترین کارکردهای مسجد نقش‌آفرینی آن در زمینه‌ی آموزش‌های علمی و فراگیری علم و معرفت است. وقتی زنان در مسجد گردهم می‌آیند، بهترین زمانی است که می‌توانند از مسائل دینی و قرآن بهره‌مند شوند. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در سخنی به ابوذر فرمود: مسجد محل پاسخ و پرسش

^۱ - سوره‌ی جن، آیه‌ی ۱۸

^۲ - سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۹

^۳ - بحار، ج ۷۴، ص ۸۶ و وسایل، ج ۴، ص ۱۱۸.

^۴ - فرهنگ مسجد، ص ۳۰۴، به نقل از بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۱.

درخصوص مسائل علمی است و فقط در این صورت است که می‌توان در آن نشست. همچنین آن حضرت فرموده‌اند: «هرکس به مسجد من بیاید و هدفی جز فراگیری دانش یا آموختن به دیگران نداشته باشد؛ بسان مجاهدی است که در رای خدا جهاد می‌کند»^۱.

به گواه تاریخ، «مسجدنبوی» مهم‌ترین مرکز آموزش قرآن و فقه اسلامی در صدر اسلام بوده است. جلسات متعدد و حتی شبانگاهی در این مسجد تشکیل می‌شد.^۲ در دوره‌های پس از صدر اسلام نیز این روند ادامه داشت؛ به گونه‌ای که مکاتب فقهی و کلامی از مسجد بیرون آمدند و ائمه‌ی مذاهب مراحل بالندگی خود را در مساجد سپری کردند.^۳ بنابراین، برای رفتن به مسجد باید ارزش قائل شد و دامنه‌ی فواید آن را گسترده‌تر از آنچه به ذهن می‌آید دانست. امروزه که درهای مساجد روی همه گشوده شده است، در آن‌ها سخنرانی‌های گوناگون صورت می‌پذیرد و علوم اسلامی تبلیغ می‌شود، زنان هم می‌توانند با حضور خود در آن‌ها بهره‌های فراوانی ببرند و هم پاداش تحصیل علم را ببرند و هم ثواب حضور در مسجد را. اهمیت رفتن به مسجد برای فراگیری علم و دانش به اندازه‌ای است که بعضی از فقها رفتن زنان را به مسجد، جهت فراگیری مسائل اسلامی، واجب دانسته‌اند و گفته‌اند: «اگر راهی برای یادگیری مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است زنان به مسجد بروند»^۴.

۳- آثار سیاسی و اجتماعی

حضور زنان در مسجد مشتی است بر دهن یاوه‌گویان و منحرفانی که اسلام را به تحقیر و زندانی کردن زنان متهم می‌کنند؛ لذا حضور زنان در مسجد نشان می‌دهد اسلام مخالف آزادی زن نیست. در صدر اسلام نیز زنان در کارهای اجتماعی و سیاسی شرکت داشتند و حضور در مسجد شرکت زنان را در برنامه‌های سیاسی - اجتماعی ثابت می‌کند؛ مانند سوده دختر عمار ابن اسک همدانی.^۵

^۱ - مسجد به روایت مطبوعات، ج ۸، ص ۱۵.

^۲ - همان.

^۳ - اقتباس از فروغ مسجد، ج ۲، ص ۱۹۹.

^۴ - رساله‌ی توضیح المسائل، مکارم شیرازی، مسئله‌ی ۸۱۷.

^۵ - زن در آینده‌ی جمال و جلال، ص ۲۹۵.

به گفته‌ی قرآن سه زن حضرت موسی (علیه‌السلام) را از کشته‌شدن حفظ کردند و پرورش دادند: مادر موسی، خواهر موسی و زن فرعون. این سه زن با وضعیت سیاسی آن روزگار مبارزه کردند تا موسی پرورش یافت. بی‌تردید اکنون مسجد یکی از مراکز سیاسی مهم در جامعه‌ی اسلامی است. حضور زنان در مساجد می‌تواند یکی از جلوه‌های سیاسی این قشر عظیم در جامعه باشد. رونق‌گرفتن مساجد، که نیمی از آن به‌دست زنان صورت می‌گیرد، چیزی نیست که بتوان به آسانی در مورد آن سخن گفت؛ زیرا بازتابی که این امر در میان مجامع جهانی و برون مرزی دارد بسیار فراتر است.

به این دلایل، همان‌گونه که اسلام به زنان دستور عفاف و حجاب می‌دهد، دستور شرکت در مجامع عمومی را نیز می‌دهد. حضور زنان در مساجد بیانگر حضور فعال آنان در جامعه‌ی اسلامی و مجامع دینی و مذهبی است. زنان با حضور در مساجد وحدت و همبستگی در سطح اجتماع را به ارمغان می‌آورند. همان‌گونه که در صدر اسلام و بعد از آن مسجد کانون طرح مسائل سیاسی و پایگاه مقاومت و جنبش‌های اسلامی بوده است، امروزه نیز این نقش را از دست نداده است. اگر در برهه‌ای نقش‌آفرینی مسجد در بعد سیاسی به سستی گراییده بود، همگام با انقلاب اسلامی در ایران این نقش‌آفرینی دوباره احیا گردید. بنابراین، اگر زنان در مساجد حضور نیابند، از مسائل مهم سیاسی کشور و جهان اسلام آگاه نمی‌شوند و مسئولیت‌هایشان در این زمینه انجام نمی‌شود.

۴- آثار معنوی

مسجد جایی است که خداوند عنایت بیشتری دارد و مسلماً دست بندگان آسان‌تر به آستانش خواهد رسید. از این رو، رفتن به خانه‌ای که میزبان آفریدگار همه‌ی گیتی است بسیار اهمیت دارد و شخص هیچ‌گاه در آن بی‌نصیب نخواهد ماند؛ به‌خصوص اگر با یاد خدا و امید به خشنودی او در آنجا بنشیند. پس این لذت به گروهی خاص اختصاص ندارد و به شرایطی خاص محدود نشده است. همان‌گونه که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «مَنْ كَانَ الْقُرْآنُ حَدِيثَهُ وَالْمَسْجِدُ بَيْتَهُ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»^۱، کسی که کلام و ذکرش قرائت قرآن باشد و مسجد خانه‌اش، خداوند متعال خانه‌ای در بهشت برایش مهیا سازد.

^۱ - تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۵.

آن کسی که در مسجد با خدا رازونیا می‌کند و شیرین‌ترین گفتارش را کلام او می‌داند، لابد اجری دارد و سزاوار بزرگداشت است که خداوند در بهشت برایش خانه‌ای در نظر می‌گیرد و این بهترین پاداشی است که بنده می‌تواند توقع داشته باشد. اصولاً کسی که اراده‌ی مسجد می‌کند در او نورانی‌تری پدید می‌آید که ما با دیدگان عادی قادر به درک آن نیستیم. قدر و منزلت اهل مسجد به حدی است که خداوند قدم‌هایی را که به سوی مسجد برداشته می‌شود مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «... آنچه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آن را می‌نویسیم».^۱ در ادامه‌ی این آیه گفته شده است مراد از آثار همان گام‌های مؤمنان است و شأن نزول آیه این است: قبیله‌ی «بنی سلمه» در نقطه‌ی دوردستی از شهر مدینه ساکن بودند. روزی از دوری خانه‌های خویش به مسجد و مشقت حضور در آنجا و نماز جماعت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به آن حضرت شکایت کردند و تصمیم گرفتند به نزدیکی مسجد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل مکان کنند. سپس، این آیه نازل شد و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به آن‌ها فرمود: آثار و گام‌های شما به سوی مسجد در نامه‌ی اعمالتان نوشته می‌شود و پاداش می‌گیرید. هنگامی که «بنی سلیمه» این سخن را شنیدند از تصمیم خود صرف‌نظر کردند و در جای خود ماندند.

این سخنان به جنسیت محدود نمی‌شود و زنان نیز می‌توانند به این کمال دست یابند و به مقامات الهی نزدیک شوند. حضور بانوان در مسجد مقدمه‌ای است برای رسیدن به مقامات عالی معنوی و خداوند چنین مقاماتی را ویژه‌ی دوستداران مسجد و اهل مسجد قرار داده است.

۵- آثار فرهنگی

برای اینکه بگویند ملتی فرهنگی است، به شناخت، دانش و پیشینه‌ی فرهنگی آن رجوع می‌کنند. در فرهنگ مسلمانان نیز همواره چنین بوده است که آغاز فعالیت تأثیرگذارترین اندیشه‌های اسلامی و دانشمندان مسجد بوده است. از آن روز که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بیک‌هایی به کشورهای همسایه فرستاد و آن‌ها را مأمور آموزش قرآن و احکام کرد، مساجد در آن کشورها رونق یافتند و نخستین پایگاه دانش و دیانت شدند. هرکس خواستار دانش بود، باید ابتدا اهل مسجد و دوستدار

^۱ - تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۶۹-۷۰.

خانه‌ی خدا می‌شد تا بتواند از انوار آن مکان مقدس بهره‌مند گردد. در آن محل هم جهان‌بینی اسلامی تدریس می‌شد، هم رزم تن‌به‌تن، درس دین و دیانت، رسم سیاست، آموزش بندگی و خدا‌باوری. درحقیقت، فرهنگ اسلام فرهنگ برخاسته و جوشیده از مسجد است. این مسجد بود که در روزگار کهن فرهنگیان دلسوز جامعه‌ی بشریت را در آغوش گرم خویش پروراند و به رشد و بالندگی رساند. شخصیت‌های برازنده‌ی اسلام از همین مساجد برای تبلیغ اسلام فرستاده شدند و در هر نقطه‌ای که مستقر شدند مسجد را مرکز نشر فرهنگ اسلامی قرار دادند.

برای زنان که نمی‌توانند مانند مردان در هر اجتماعی شرکت کنند، مسجد بهترین مکان برای کسب دانش اجتماعی، سیاسی، عبادی و اخلاقی است. بنابراین، آنچه از روایات به دست می‌آید و شرایطی که اسلام برای زنان در نظر گرفته است، باعث رونق‌یافتن مساجد و رشد و بالندگی زنان می‌شود. هیچ‌کس تاکنون زنان را از رفتن به این مکان‌ها باز نداشته است و برای تأیید گفتارمان به سخنانی از حضرت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) رجوع می‌کنیم. ایشان در وصیت‌نامه‌ی الهی - سیاسی‌شان آورده‌اند: «ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان، خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند».

۶- آثار اخلاقی و تربیتی

از آن‌جاکه زنان معمولاً بیشتر وقت خود را صرف کارهای خانه و تربیت فرزندان می‌کنند و گاهی نیز مشکلات زندگی آن‌ها را در تنگنا قرار می‌دهد، نیاز دارند به گوشه‌ای بروند و با خود خلوت کنند و آرامش یابند. در این راستا، تجربه نشان داده است که اگر شخصی به بزرگ‌تر از خود پناه ببرد و با او درد دل کند، مؤثرتر است و مؤمنان هم یگانه کسی را که برای درد دل می‌شناسند، خدای متعال است. مکانی هم که مناسب‌تر و نزدیک‌تر به خدا است مسجد می‌باشد. زنان برای پرورش فرزندان بیشتر از مردان به رازون‌یاز احتیاج دارند؛ زیرا فرزندان به کانونی نیاز دارند که آرام، امین و پاک باشد که این مورد هم در گرو داشتن ایمانی محکم میسر است. پس چه خوب است کسی که قصد مسجد می‌کند به

این امید دل از همه چیز بکند و فقط به خشنودی حضرتش توجه کند که آنجا خداوند به بنده‌اش نزدیک‌تر است و آسان‌تر به درددل‌هایش توجه می‌کند.

۷- آثار روانی

خداوند به مساجد عنایت بیشتری دارد؛ چون محل پرستش و خانه‌ی اوست. حضور در مسجد انسان را به یاد خدا می‌اندازد. وقتی بانوان وارد مسجد می‌شوند احساس آرامش می‌کنند؛ زیرا از این جهت فرقی بین زن و مرد نیست: «المؤمن فی المسجد کالسّمک فی الماء»^۱، مؤمن در مسجد مثل ماهی در آب است. یعنی همان‌گونه که آب مایه‌ی آرامش، رشد و ادامه‌ی حیات ماهی است، مسجد برای انسان‌های خداجو مایه‌ی آرامش، حیات معنوی و کسب کمالات نفسانی است. کسی که در طول روز مشغول کسب‌وکار است، در مشغولیت‌های مادی و گرفتاری‌های دنیایی غرق می‌شود و پیش‌آمدهای نگران‌کننده آرامش روحی و روانی را از انسان سلب می‌کند. بار مسئولیت خانواده، آینده‌ی فرزندان احساس ناتوانی در تربیت آن‌ها برای انسان دله‌ره‌آور است. در این حال، بنده با نماز به یاد خداوند می‌افتد، خود را در محضر قادر متعال توانا می‌بیند و حل هر مشکلی را در برابر قدرت و عظمت او ناچیز می‌بیند. سپس، لب به ذکر و تسبیح می‌گشاید، از خداوند یاری می‌طلبد و به آرامش و اطمینان قلبی می‌رسد. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲، آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

برخی روایات رسیدن به آرامش فکری، روحی و روانی را در رفتن به مسجد می‌دانند و به همین جهت رفتن به مسجد را هنگام وقوع حادثه و اندوه سفارش می‌کنند. در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است: «إِنَّ الزَّلْزَلَةَ وَالْكَسُوفَيْنِ وَالرِّيَّاحَ الْهَائِلَةَ مِنْ عِلَامَاتِ السَّاعَةِ فَإِذَا رَأَيْتُمْ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَتَذَكَّرُوا قِيَامَ الْقِيَامَةِ وَأَفْرِعُوا إِلَى مَسَاجِدِكُمْ»^۳، زلزله، آفتاب‌گرفتگی، مهتاب‌گرفتگی و بادهای وحشت‌زا از نشانه‌های قیامت است. زمانی که چنین چیزی را مشاهده کردید از [حادثه‌ی قیامت] یاد کنید [و برای آرامش روحی، روانی] به مساجد پناه ببرید.

^۱ - کشف الخفاء، ج ۲، ص ۲۹۵، العجلونی.

^۲ - سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۸

^۳ - فرهنگ مسجد، ص ۳۳ به نقل از الامالی شیخ صدوق، ص ۴۶۵ و وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۸۷.

در این میان، زنان بیشتر به آرامش و اطمینان قلبی نیاز دارند؛ زیرا مسئولیت سنگین تربیت فرزندان بیشتر به دوش زنان است و اوست که باید کانون خانواده را گرم نگه دارد، آرامش را در خانه برقرار سازد، خانه را کانون صفا و صمیمیت و معنویت کند و بنابراین به جاست که با حضور در مسجد نیرو بگیرد.

جمع بندی:

حضور زنان در مسجد، احیای شعائر الهی است.

از آنجاکه مسجد یکی از شعائر دین مقدس اسلام است، در روایات به رفت و آمد به آن بسیار تأکید شده است. مسجد از بهترین مصادیق شعائر الهی است. ارج نهادن به این شعائر، به فرموده‌ی قرآن، نشان‌دهنده‌ی پرهیزکاری است: «ذَلِكَ وَ مَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»، این است [فرایض خدا] و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد در حقیقت آن [حاکمی] از پاک‌دل‌هاست. بر این اساس، حضور زنان در مساجد برای انجام فرایض دینی مصداق تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی است و شرکت آنان در مسجد به معنای سهم‌بودن آنان در عمران و آبادانی مسجد و احیای شعائر دینی است.

فهرست منابع

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه.
۳. طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع‌البحرین، مکتب نشر ثقافت الاسلامیه، ج ۲، ۱۴۰۸ق.
۴. علامه ابن منظور، جمال‌الدین، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
۵. الفراهیدی، عبدالرحمن، کتاب العین، مؤسسه دارالهجره، ج ۲، ۱۴۰۹ ق.
۶. مطهری، مرتضی، مسئله‌ی حجاب، صدرا، ج ۳۷، ۱۳۷۲ ش.
۷. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه‌ی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۸. ابن حزم اندلسی، علی ابن احمد، المحلی، بیروت، دارالفکر.

^۱ - سوره‌ی حج، آیه‌ی ۳۲.

۹. ابوالفتح کراچکی، محمد بن علی، معدن الجواهر، تهران، کتابخانه‌ی مرتضویه، ج ۲، ۱۳۹۴ ق.
۱۰. العجلونی الجراحی، اسماعیل ابن محمد، کشف الخفا، لبنان، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۱۱. النووی، محی الدین بن شرف، المجموع، دارالفکر.
۱۲. امام خمینی، تحریرالوسیله، قم، قدس محمدی.
۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
۱۴. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. جمعی از نویسندگان، فرهنگ مسجد، قم، مؤسسه‌ی فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه‌ی جمال و جلال، تهران، رجاء، چ ۴، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. حسینیان، روح الله، حریم عفاف، تهران، سازمان تبلیغات، ۱۳۷۲ ش.
۱۸. دستغیب، سیدعبدالحسین، گناهان کبیره، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین، چ ۶.
۱۹. راوندی، قطب الدین، فقه القرآن، قم، کتابخانه‌ی مرعشی نجفی، چ ۲، ۱۴۰۵ ق.
۲۰. رهبری، حسن، مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۲، ۱۳۸۲ ش.
۲۱. سجستانی، سلیمان ابن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.
۲۲. شیخ الاسلامی، سیدحسین، ترجمه‌ی غررالحکم، قم، انصاریان، چ ۵، ۱۳۷۹ ش.
۲۳. شیخ بهایی، محمدبن حسین، مفتاح الفلاح، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ ق.
۲۴. شیخ حرعاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. شیخ صدوق، محمد، الخصال، قم، جامعه‌ی مدرسین، چ ۲، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. شیخ صدوق، محمد، ثواب الاعمال، قم، شریف رضی، چ ۲، ۱۳۶۴ ش.
۲۷. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات اسلامیّه وابسته به جامعه‌ی مدرسین، چ ۳، ۱۴۱۳ ق.
۲۸. شیخ طوسی، ابوجعفرمحمدبن حسن، التّهذیب، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۳۶۵ ش.
۲۹. صادقی زفره، حسن، معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲ ش.
۳۰. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، عروة الوثقی، قم، جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۲۰ ق.
۳۱. طبرسی، امین الدین، مجمع البیان، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ ق.

۳۲. علامه طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ۱۳۹۷ ق.
۳۳. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، لبنان، مؤسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۳۴. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ۱۳۶۵ ش.
۳۶. محدث نوری، میزاحسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
۳۷. محسنی گرگانی، احمد، حجاب در اسلام، حکمت، ۱۳۹۲ ق.
۳۸. محمدی اشتهاردی، حجاب بیانگر شخصیت زن، ناصر، ۱۳۷۵ ش.
۳۹. مشایخی، قدرت الله، حقوق از دیدگاه امام سجاد (علیه السلام)، قم، انصاریان، ۱۳۷۹ ش.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه و شرح فشردهی نهج البلاغه، قم، مطبوعات هدف، ج ۸، ۱۳۶۹ ش.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۵، ۱۳۷۵ ش.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، رساله‌ی توضیح المسائل.
۴۳. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، اعتماد، ۱۳۷۲ ش.
۴۴. نیشابوری، مسلم ابن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد